



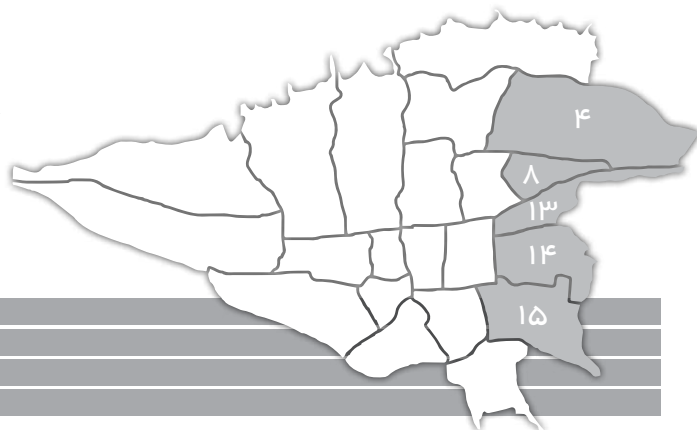
روایت پیرغلامان و خادمان حرم سیدالشهدا (ع)
از اربعین این سالها

دل‌ها چون کربلا کوی حسین (ع) است

چهل روز از واقعه عاشورا گذشت. چهل روز سوگواری برای سالار شهیدان، سنت دیروز و امروز هم نیست، آیینی است به یادگار مانده از شیعیان و عزاداران اباعبدالله الحسین (ع)...

صفحه ۸

سه‌شنبه
۳۰ شهریور ۱۴۰۰
سال هفدهم / شماره ۸۲۰
صفحه ۱۶



عکس: امیر پناهپور

گفت‌وگو با رزمنده و مستندساز دفاع مقدس
که در همسایگی ما زندگی می‌کند

۴۰۰ ساعت فیلم از جبهه و جنگ دارم

صفحه ۶

در آستانه ماه مهر وضعیت فضاهای آموزشی
شمال شرق تهران را بررسی کرده‌ایم

شهر خالی از هیاهوی بچه‌ها!

سال تحصیلی جدید از سوم مهر آغاز می‌شود و طبق آخرین تصمیم مدیران آموزش و پرورش و ستاد مقابله با کرونا، آموزش حضوری در مهرماه به ظرفیت کلاس‌ها و زیرساخت فضای آموزشی مدارس بستگی دارد؛ با این حال زمه‌هایی از بازگشایی مدارس در آبان ماه به گوش می‌رسد. اما صرف‌نظر از اینکه دانش‌آموزان از روز شنبه با کوله‌باری از کتاب و دفتر راهی مدرسه شوند یا مثل سال گذشته باز هم معلم‌شان را در قاف کوشی ببینند...

صفحه ۱۲

تاجبخش فنانیان، نویسنده و کارگردان پیشکسوت تئاتر
در همسایگی ما زندگی می‌کند

مبارک‌آباد خلوت و سرسبز است

در طول ۳ دهه تدریس بازیگری و کارگردانی در دانشکده هنرهای زیبا هنرمندان بسیاری را تربیت کرده و برخی از ستاره‌های امروز سینما و تئاتر از جمله اصغر فرهادی، ابراهیم حاتمی کیا و حمید فرخ‌زاد و...

صفحه ۱۰



۱۸۱۹

جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش آگهی
با نزدیکترین دفتر قبول آگهی تماس بگیرید

شرح در صفحه ۱۵

با تبلیغات در همیشه شاهی درست به هدف بزنید

زخم جنگ بر جسم بانوی امدادگر

«ایران ترابی»، بانوی امدادگری است که از روز اول جنگ تا پایان آن در جبهه‌ها حضور داشته و کارش مداوای رزمندگان بوده است. به سختی نفس می‌کشد و هر از چندگاهی تاول‌های ناشی از گازهای شیمیایی جان بیماراش را خسته‌تر می‌کند. او از خودش می‌گوید که داوطلبانه راهی جبهه‌های نبرد شد و برای دفاع از میهنش از جان مایه گذاشته است. ترابی تعریف می‌کند: «سال ۵۶ از رشته مامایی فارغ‌التحصیل شدم. در روستای کارخانه تویسرکان خدمت می‌کردم. با شروع جنگ به سوسنگرد رفتم. به آنجا که رسیدم دکترچمران را دیدم. بیمارستان سوسنگرد را تخلیه کرده بودند. پزشکی در آنجا نبود. با حداقل امکاناتی که داشتیم به اتاق عمل سروسامان دادیم. حتی غذایی برای خوردن پیدا نمی‌شد. ناگزیر با تنقلات خودمان را سیر می‌کردیم. اما نه کسی گله می‌کرد و نه از کار دست می‌کشید. بچه‌ها یک دل و یک دست بودند. آنها از حقوق ماهانه خود هم می‌گذشتند. هر ماه وچه‌ی که به ما می‌دادند، به صندوق حمایت از جبهه‌ها واریز می‌کردیم.»

ترابی ادامه می‌دهد: «بارها در عملیات‌های مختلف شیمیایی شده بودم اما خفیف بود. اما در عملیات والفجر ۸ هنگام جابه‌جا کردن مجروحان توسط پتو و لباس‌های آلوده من هم آلوده شدم. از آن زمان تاکنون گرفتار سرفه‌های طاقت‌فرسا و تاول‌های عذاب‌آور هستم.»



ایران ترابی
ساکن خیابان میرهشتی



بازخوانی خاطرات
دفاع مقدس به روایت
دلاورمردان و شیرزنانی که با
عشق حماسه آفریدند



مسجد صدریه، پاتوق فرماندهان جنگ

مساجد صدریه، شهید بهشتی، موسی بن جعفر(ع) و بقیه‌الله واقع در میدان بروجردی از پایگاه‌های مهم اعزام نیرو و کمک‌های مردمی به جبهه بودند. البته اعزام نیرو بیشتر در مسجد بقیه‌الله رخ می‌داد. «خلیل سبحانی» یکی از هیئت امنای مسجد صدریه و مسئول کتابخانه آن می‌گوید: «این محله جوان مخلص زیاد داشت. پاتوق همه‌شان در مسجد بود. از جمله شهیدان حسن باقری، اکبر محرابیان، علی اسماعیلی و عباس خرم دل که همگی از فرماندهان جنگ بودند. به عباس خرم دل ۷ تکه می‌گفتند چون ۷ بار شهید شده بود. بیشتر بچه‌های این مسجد عضو اطلاعات عملیات بودند. بنابراین به دلیل رعایت نکات امنیتی در این مسجد جمع‌آوری و بسته‌بندی اوراق و البسه برای جبهه‌ها صورت نمی‌گرفت.»

پایگاه مهم جنگ با ۳۷ شهید

مسجد انصارالحجه یکی از مساجد مهم شری است که بیشترین شهید را در جنگ داده است. «آیت‌الله محمدتقی وحیدی گلپایگانی» امام جماعت این مسجد می‌گوید: «غلب بچه‌های محله از مسجد انصارالحجه راهی جبهه شدند. ۷۳ نفرشان هم شهید شدند. نخستین شهید دفاع مقدس شهید حسین پورصالح است. او در عملیات والفجر و فتح خرمشهر شهید شد. قبل‌تر از او شهیدان مهدی یزدانی‌زاده در غائله کردستان توسط منافقان به شهادت رسیدند. بعد خانواده شهیدان عرب شاهی. مادر شهیدان عرب شاهی، ۲ پسر، یکی از دامادهایش و ۱۰ برادرزاده‌اش در جنگ شهید شده است. خود مادر هم یکی ۲ سال پیش از دنیا رفت. شهید پورصالح یکی از برادرزاده‌هایش است.» پدر شهیدان عرب شاهی از نمازگزاران مخلص این مسجد است. هر روز در نمازجماعت شرکت می‌کند.» به گفته آیت‌الله وحیدی، در دوران جنگ، کمک‌های مردمی از مواد غذایی گرفته تا پوشاک و ملحفه در این مسجد جمع‌آوری می‌شد. او خاطرات آن دوران را یادآوری می‌کند: «کامیون کامیون جنس در این مسجد خالی می‌شد. در همان فضای ۱۰۰ متری. خانم‌ها اجناس را به خانه‌شان می‌بردند و بسته‌بندی می‌کردند. بعد از آماده شدن به جبهه می‌فرستادیم. بارها خودم برای سرکشی به جبهه می‌رفتم تا از کم و کسر بچه‌ها با خبر شوم.»

بانوی کارآفرین، حامی جبهه‌ها بود

جمله خدابخش بانوی پرتلاشی که سال‌های جوانی‌اش را در جبهه و جنگ گذرانده است. می‌گوید: «قبل از پیروزی انقلاب کارآفرین بودم. کلاس‌های هنری برگزار می‌کردم و از هرکسی که استطاعت مالی نداشت هزینه نمی‌گرفتم. با شروع جنگ همه چرخ‌های خیاطی را به ستاد پشتیبانی ناحیه مقاومت مالک اشتر انتقال دادم. بانوان داوطلب را به کمک گرفتم تا لباس‌های مورد نیاز رزمندگان را بدوزیم. حدود ۸۰ بانو در ستاد کار می‌کردند. یکی از اهالی حسینه و دیگری پارکینگ خانه‌اش را در اختیار ما گذاشته بود. روزانه ۱۰۰ دست لباس برش می‌زدیم. لباس رزم تا بیمارستان می‌دوختیم. با کمک اهالی کمک‌های مردمی را بسته‌بندی کرده و به جبهه‌ها می‌فرستادیم.» به گفته خدابخش بیشترین اعزام نیرو از ناحیه مالک اشتر بود. اما مساجدالزهرا(س)، صاحب‌الزمان(عج) و بعثت در افسریه و مسجد ولی‌عصر(عج) در بلوار ابوذر از مهم‌ترین پایگاه‌های اعزام نیرو بودند. او ادامه می‌دهد: «رزمندگان جلو در صف می‌ایستادند و هرکسی سربند فرد جلویی را می‌بست. مادرها قرآن به دست رزمندگان را از زیر قرآن رد می‌کردند.»



جفیه خدابخش
ساکن محله افسریه

خیز «الله اکبری»

کمال سپاهی از رزمندگان در دوران جنگ است که در منطقه ۸ زندگی می‌کند. او خاطره روزهای جنگ را تعریف می‌کند: «قطعنامه امضا شده بود اما صدام به تعهدش پایبند نبود و به خاک اهواز و خرمشهر پیش روی کرده بود. پشت جاده اهواز-خرمشهر خط دفاعی ایجاد کرده بودیم. آب نداشتیم و گرما طاقت‌فرسا بود. من فرمانده دسته بودم یک گردان خبر آورد که امشب باید حمله کنیم. دم غروب بچه‌ها شام مختصری خوردند و آماده عملیات شدند. گرگ و میش هوا بود که صدای انفجار آمد، نزدیک به صدا شدم دیدم تخریب‌چی گردان پایش روی مین رفته بود برای اینکه صدا نکند جفیه‌اش را در دهانش کرده بود. در این حین عراقی‌ها روی خاک ریز ما را دیدند. با تانک آمده بودند. با دوشکا شلیک می‌کردند و باخیزالله‌اکبر به تانک یورش بردیم و به راننده تیر شلیک کردیم. تانک دنده عقب پایین رفت. با عراقی‌ها تن به تن جنگیدیم. در این حین، تیری به من اصابت کرد و دیگر چیزی متوجه نشدم. از قرار معلوم بچه‌ها من را به عقب انتقال داده بودند. ۱۵ روز در کما بودم که جنگ آتش بس شد.»



کمال سپاهی
ساکن محله نارمک

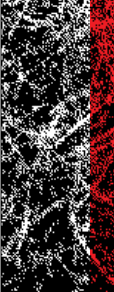
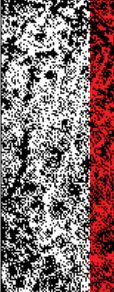
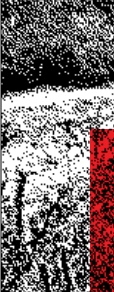


حاج رسول ملابری یا حاج رسول رستگار؟

تامش «رسول ملابری» است اما به حاج رسول رستگاری شهره است. فیلم تلویزیونی «نبرد آخر» داستان زندگی اوست که چندی پیش از تلویزیون پخش شد. ملابری می‌گوید: «در جنگ‌های نامنظم کردستان داوطلبانه راهی غرب شدم. ۳ ماه جنگ ایران و عراق شروع شده است. مردم از دست کومله‌ها در عذاب بودند. هم با عراق می‌جنگیدیم و هم با کومله‌ها. تا اینکه بعد از ۶ ماه نبرد، اسیر شدم. از ۱۰ سال اسارت در اردوگاه‌های عراق، ۷ سال مسئول رادیو اسراء بودم. نگاهداری رادیو کار راحتی نبود. اگر یک باتری به دست رزمندگان می‌دیدند حکمش اعدام بود. برای جور کردن باتری هرکسی هر شی قیمتی که داشت به دست رابط‌مان می‌داد تا به یکی از سربازهای عراقی برساند. این سرباز عراقی برای پول هرکاری می‌کرد. او شب‌ها از غفلت مسئول اردوگاه استفاده می‌کرد و باتری‌ها را از ناودان پایین می‌انداخت. رادیو باعث دلگرمی بچه‌ها بود. خدا می‌داند چقدر دلگرم می‌شدیم که شب‌ها وقت خاموشی و خواب پنهانی اخبار را دنبال می‌کردیم.»



سید مرتضی چاوشی
ساکن خیابان سمنگان





معرفی فوری

■ شمس‌الدین معزی
■ متولد: ۱۳۴۴ در محله شرکت واحد (کوهک)
■ بیسیمچی با سابقه ۷۵ ساله
■ حضور در جبهه مستندساز دفاع مقدس
■ آثار (پخش شده از تلویزیون): مستند «پرواز با یک بال»، «بچه‌های مدرسه»، «آبروی کوچه‌ها» در شبکه پنج، «راه ناتمام»، «تبسم‌های نورانی»، «کهنه سرباز»، «خاطرات ۵۶ ثانیه ای»، معزی سه فیلم «لشکر کباب پزها»، «شیدا» و «موتور سپاه» را در دست تهیه دارد.



گفت‌وگو با رزمنده و مستندساز دفاع مقدس که در همسایگی ما زندگی می‌کند

۴۰۰ ساعت فیلم از جبهه و جنگ دارم

پریسا نوری

بیش از ۶ سال بیسیم‌چی جبهه‌ها بوده و در خط مقدم ۴۰ عملیات از جمله «الفجر»، «خبیر»، «پدر»، «کریلا» و... حضور داشته. از آن روزهای جبهه و جنگ، یک دنیا خاطره، صدها ساعت تصویر مستند و ده‌ها تیر و ترکش برایش به یادگار مانده است. در تلفن همراهش، عکس برادر شهیدش و همچنین شهیدان همت، باقری و ده‌ها شهید دفاع مقدس، به همراه صدای رزمنده‌ها که از بیسیم ضبط شده و مارش عملیات جنگی را ذخیره کرده و با آنها زندگی می‌کند. در آستانه هفته دفاع مقدس، ساعتی مهمان «شمس‌الدین معزی» مستندساز دفاع مقدس و راوی اردوهای «راهیان نور» شدیم. این رزمنده هم‌محله‌ای با روی باز در دفتر کارش که بیسیم، خمپاره و کلی یادگاری‌های دوران جبهه را نگه داشته، پذیرایمان شد.

روزگاری بیسیم‌چی جبهه‌ها بوده و صدها ساعت صدای ضبط شده بچه‌ها را از آن روزها به یادگار دارد. او که مثل خیلی از رزمنده‌ها آرزویش شهادت بوده، می‌گوید: «بارها تیر و ترکش خوردم و مجروح شدم اما شهید نشدم؛ فکر می‌کنم دلیلش این بود که صدای بچه‌ها را به نیت اینکه بعدها آنها را ببینم و با آنها برنامه بسازم ضبط می‌کردم؛ حتماً خدا هم گفته «تو اگر واقعا می‌خواهی شهید بشوی؛ چرانداری برای آینده این صداها را ضبط می‌کنی؟»

آرامنش زنده نگه داشتن یاد شهدا و معرفی جبهه و جنگ به نسل جدید است و کارنامه‌اش پر است از برنامه‌های مستند با موضوع جبهه و جنگ برای همین همه جا از او به نام مستندساز دفاع مقدس یاد می‌کنند. معزی با اینکه حرفه اصلی‌اش مستندسازی است، اما در غواصی

و اسکله‌سازی مهارت و تجربه دارد، استاد کارهای فنی ساختمان مثل نقاشی، گچکاری و... است و حتی ۶ ماه در شیرینی‌پزی کار کرده و دستی از آشپزی و شیرینی‌پزی دارد.

روایت شهدای محله در مستند «آبروی کوچه‌ها»

مستندساز هم‌محله‌ای که متولد و بزرگ شده محله کوهک (شرکت واحد سابق) است، در ساختن مستندهایش شهدای محله را از یاد نبرده و در مستند «آبروی کوچه‌ها» آنها را معرفی کرده است. او در این باره می‌گوید: «مستند «آبروی کوچه‌ها» روایت زندگی شهدای محله‌ها از زبان هم‌زمان و خانواده شهید است. برای ضبط این برنامه به خانه شهدا می‌رفتم و از خانواده و هم‌زمان شهید، درباره زندگی و خاطراتش می‌پرسیدم، سپس متنی تهیه می‌کردیم و فردای آن روز بعد از نماز مغرب از اهالی محله می‌خواستیم جلو خانه شهید جمع شوند، سپس با حضور خانواده و هم‌زمان

مستندساز هم‌محله‌ای که متولد و بزرگ شده محله کوهک (شرکت واحد سابق) است، در ساختن مستندهایش شهدای محله را از یاد نبرده و در مستند «آبروی کوچه‌ها» آنها را معرفی کرده است

شهید زندگینامه و خاطرات شهید را روایت می‌کردیم.» معزی ادامه می‌دهد: «در این مجموعه که در ۸۰ قسمت از تلویزیون پخش شد و مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفت، زندگینامه شهدای محله از جمله شهید «محمدعلی نقاشیان» که از هم‌کلاسی‌ها و شهید «فرقدندی» که از دوستانم بودند و همین‌طور شهید «سلمان طرقی» که فرماندهام بودند روایت کردم.»

باید هویت کوچه‌های قدیمی را حفظ کنیم

کودکی‌اش را در یکی از کوچه‌های قدیمی محله که حالا سال‌هاست به نام برادر شهیدش «محمود معزی» مزین شده گذراند. از این‌رو یکی از دغدغه‌هایش زنده نگه داشتن هویت کوچه محله‌های قدیمی است و این موضوع را به‌صورت طرحی به شهرداری منطقه ۴ ارائه داده است.

در این باره می‌گوید: «از شهرداری منطقه درخواست کردم در محله‌ها و کوچه‌های قدیمی با نصب یک بنر فراخوان بزنند که هر کسی عکس قدیمی از کوچه دارد بیاورد. مثلاً یکی جلو در خانه‌اش عکس گرفته اما نمایی از کوچه در عکس دیده می‌شود. سپس بهترین عکس را سر کوچه نصب کنند. این کار به نظرم خیلی جذاب است. هر کسی وارد کوچه می‌شود می‌فهمد مثلاً ۵۰ سال پیش این کوچه چه شکلی بوده... این‌طوری هویت کوچه‌ها و محله‌های قدیمی حفظ می‌شود.»

این رزمنده دفاع مقدس درباره طرح «یادمان شهدای محله» که با هدف یادبود نام و یاد شهدا به شهرداری منطقه ارائه داده هم این‌طور می‌گوید: «به شهرداری منطقه گفتم برای زنده نگه داشتن نام شهدا می‌شود در هر خانه‌ای که شهید در آن زندگی می‌کرده یک پلاک زد و رویش نام و مشخصات شهید را نوشت.»

خاطرات شیرین محله «شرکت واحد»

این مستندساز که در محله کوهک که در قدیم به دلیل وجود شرکت واحد اتوبوسرانی به نام شرکت واحد معروف بود، به دنیا آمده، از محله و خاطرات دوران کودکی‌اش این‌طور می‌گوید: «محله شرکت واحد یک محله آرامی بود. همه خانه‌ها ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری و یک طبقه بود. هر خانواده ۷-۸ تا بچه داشت. از صبح تا شب در کوچه با بچه‌ها فوتبال بازی می‌کردیم و حتی یک ماشین هم از وسط بازی ما رد نمی‌شد چون آن وقت‌ها کسی ماشین نداشت. دیوار حیاط کوتاه بود از ترده و نیزه روی دیوار هم خبری نبود. مادرهایمان با هم مثل خواهر بودند.

از همدیگر نان و پیاز و سیب‌زمینی و... قرض می‌کردند. شب‌ها همه همسایه‌ها توی حیاط شام می‌خوردند.» او که از یادآوری خاطرات کودکی سر شوق آمده، ادامه می‌دهد: «یادم است همسایه دیوار به دیوارمان شیشه ترشی را روی دیوار می‌گذاشت. شب موقع شام که می‌شد مادرم را از توی حیاط صدا می‌زد و می‌گفت «مهرین خانم ترشی می‌خوای از رو دیوار بردار و...» شب‌های بهار و تابستان توی حیاط یا پشت‌بام جامی انداختیم و می‌خوابیدیم. بابام یک رادیو داشت و شب‌ها قبل خواب یک سریال پلیسی رادیویی گوش می‌داد. یادم است حسین آقا همسایه‌مان داد می‌زد «اصغر... صداشو زیاد کن ببینیم بقیه ش چی شد...»

همسایه‌ها یکدل بودند. مثل الان مردم دنبال چشم و همچشمی نبودند. آن موقع سطح زندگی همه‌مان یکی بود. کسی به دیگری فخر نمی‌فروخت. در محله ما باباهایمان همه در شرکت واحد کار می‌کردند یا راننده بودند یا تعمیر کار یا بلیت‌فروش و... در دنیای کودکی زندگی شیرینی داشتیم. تلخ‌ترین خاطره‌مان این بود که مادرمان وسط بازی بگوید «برو نون بگیر...» معزی از اهالی محله هم این‌طور می‌گوید: «در محله همه جور آدمی داشتیم، از جوان‌های خوب و معتقد که خیلی‌هاشان به جبهه رفتند و شهید شدند تا دزد سابقه‌دار و فروشنده مواد مخدر اما با اینکه در خانه‌ها باز بود و دیوارها کوتاه، یک ریال از خانای گم نمی‌شد.»



درست یک سال از درگذشت نخستین بانوی فیلسوف ایرانی می‌گذرد. او سال گذشته بعد از مدتی تحمل بیماری درگذشت و حسرتی بر دل جوانانی که روزگاری پای صحبت‌های او می‌نستند گذاشت. بزرگ‌ترین افتخار این بانوی تمام‌عیار و تراز اول ایرانی، معلمی است و تا پایان عمر پرپرکت خود از تعلیم و تربیت دست برنداشت. در ابتدای مراسم بزرگداشت این بانوی اهل علم و تقوا بعد از تلاوت آیاتی از قرآن کریم و سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، «سعید رنجبریان» رئیس فرهنگسرای گلستان پشت‌تریبون رفت و در خصوص زنده‌یاد کرمانی گفت: «حق تعالی بانو کرمانی را شایسته دانسته و به او حکمت عطا کرده بود. بانو کرمانی با توجه به جو متفاوتی که در اقصی نقاط جهان نسبت به بانوان وجود دارد، توانست این‌گونه ظهور پیدا کند. او در کشورهای مختلف غربی حضور داشت اما هرگز مقهور فرهنگ غرب نشده بود و به‌عنوان یک الگوی زن اسلامی و ایرانی توانست بخشی از آرمان‌های بزرگ امام راحل را به عرصه ظهور برساند.»

بزه حکمت را چه شد

در ادامه معاون مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی پشت‌تریبون رفت و در خصوص بانو کرمانی گفت: «بانو طوبی کرمانی بانویی عالم، فاضل و مجاهد بود و همه زندگی خود را وقف خدمت به جامعه اسلامی و دفاع از مظلومان کرد. او سرشار از محبت و عشق به اهل‌بیت(ع) بود.» «محسن مسچی» به ویژگی‌هایی در کرمانی به‌عنوان دلایل اصلی حکیم شدن اشاره کرد و ادامه داد: «برای حکیم شدن شرایطی وجود دارد که یکی از این شرایط عشق و علاقه و دیگری ذوق و قریحه است بانو کرمانی با این دو ویژگی بارز توانست مژه حکمت را بپوشد. او از نظر اخلاقی شخصیتی تراز اول بود و همچنین بر وحدت بین مذاهب و حتی ادیان الهی برای رسیدن به هدف مشترک تأکید داشت و سعی می‌کرد موضوع زن و خانواده اسلامی اساسی‌تر دنبال شود و در نهایت آثار خوبی بر جای گذاشت.»

کتابخانه کرمانی دبیرخانه می‌شود

یکی از حضار در مراسم گرامیداشت بانو کرمانی «میثم امرودی» رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران بود. او که معتقد است همه ما نسبت



در آستانه سالروز درگذشت دکتر «طوبی کرمانی» منطقه ۸ میزبان مراسم بزرگداشت این استاد اهل علم و تقوا بود

بانوی اندیشمند عمل‌گرا

سارا جعفرزاده

آیین گرامیداشت زنده‌یاد دکتر «طوبی کرمانی» به همت فرهنگسرای گلستان هفته گذشته در کتابخانه طوبی کرمانی در منطقه ۸ برگزار شد. در این مراسم معنوی تعدادی از شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی و جمعی از مسئولان از جمله «انسیه خزعلی» معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، حجت‌الاسلام «میثم امرودی» رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، «صدیقه مهدوی کنی» عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، «محسن مسچی» معاون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، «پیام شرقی» فرزند دکتر طوبی کرمانی و «سعید رنجبریان» مدیر فرهنگسرای گلستان حضور داشتند. دکتر کرمانی استاد برجسته دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و نخستین زن رابزن فرهنگی جمهوری اسلامی و مؤلف ده‌ها مقاله و کتاب علمی و فرهنگی و دبیر کل اتحادیه جهانی زنان مسلمان بود. معلمی بزرگ‌ترین افتخار این بانوی فیلسوف بود و بیشتر عمر خود را صرف تقریب بین مذاهب کرد و سرانجام در ۲۲ شهریور ماه سال گذشته در سن ۷۲ سالگی به دیار باقی شافت. ▶

بانویی یکی از مؤلفه‌های تمدن نظام جمهوری اسلامی ایران است و در یک سال گذشته تولیدات خوبی درباره زندگی و آثار و منش او در فضای مجازی منتشر شد و جامعه به الگوهایی مانند کرمانی نیاز دارد و به همین دلیل کتابخانه دکتر کرمانی به دبیرخانه تبدیل می‌شود تا در معرفی ایشان به جامعه بکوشد.

نماد یک زن مسلمان انقلابی بود

در ادامه مراسم، مجری از «انسیه خزعلی» معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده دعوت کرد که

پشت‌تریبون برود. معاون رئیس‌جمهور که دوستی دیرینه‌ای با دکتر کرمانی داشته، در این خصوص گفت: «سخن گفتن از دکتر کرمانی برایم سخت است نزدیک به ۳۰ سل الگوی عملی زن مسلمان انقلابی را در ایشان دیدم. عزت نفس و حیا و روحیه بلند ایشان برای همه الگو بود. او نمونه بارز همسر خوب، مادر خوب و یک فعال اجتماعی خوب بود.» خزعلی در پایان در خصوص اجرای برنامه‌های مشترک با سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در خصوص معرفی الگوهای اسلامی مانند کرمانی به جوانان ابراز امیدواری کرد و افزود: «در زمینه معرفی افراد الگو و تأثیرگذار در جامعه اسلامی، برنامه‌های مشترک با سازمان فرهنگی و هنری در آینده داریم و امید داریم بتوانیم با جای پای افراد انقلابی و تأثیرگذار بگذاریم و از انقلاب اسلامی دفاع کنیم.»

لفظ مادر از زبانش نمی‌افتاد

در پایان مراسم «صدیقه مهدوی کنی» عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) به دورانی که به‌صورت مستقیم با دکتر کرمانی در ارتباط بوده اشاره کرد و گفت: «در دانشگاه به خاطر اختلاف سنی که با دکتر کرمانی داشتیم به او احترام می‌گذاشتیم و با توجه به اینکه سال ورود ما با یک‌دیگر متفاوت بود اما کلاس‌های صادق(ع) افتخار این را داشتیم که به‌عنوان استاد فلسفه مشترک با هم داشتیم و در نهایت در دانشگاه امام صادق(ع) افتخار این را داشتیم که به‌عنوان استاد فلسفه در دانش دکتر کرمانی بهره‌مند شوم. ما باید کرمانی را به‌عنوان معلمی که مادر بود معرفی کنیم هیچ‌وقت لفظ مادر از زبانش نمی‌افتاد و رفتارش کاملاً دلسوزانه و مادرانه بود. او در عین اینکه اندیشمند، فیلسوف و استاد بود، اندیشمندی عمل‌گرا بود یعنی سعی می‌کرد آنچه آموخته را با مسائل جامعه تطبیق بدهد و بتواند با آموخته‌هایش را مشکلات روز جامعه را به‌خصوص در حوزه زنان را حل کند.» همچنین در پایان این مراسم از کتاب دو جلدی «طوبی درختی در بهشت» شامل سخنرانی‌ها و مقالات منتخب مرحوم دکتر طوبی کرمانی رونمایی شد.

با بانو طوبی کرمانی بیشتر آشنا شویم

در سال ۱۳۲۶ به‌عنوان ششمین فرزند در خانواده‌ای قدیمی در اردبیل به دنیا آمد. والدینش تقالی به قرآن زود و نامش شد «طوبی». او نخستین بانوی فیلسوف ایرانی لقب گرفت که دارای مدرک فوق دکتری فلسفه و فارغ‌التحصیل فلسفه تطبیقی و کلام، دبیر کل اتحادی جهانی زنان مسلمان و مشاور دبیر کل مجمع تقریب مذاهب در امور بانوان و عضو هیئت‌مدیره مؤسسه آموزش شهر بود و سال‌ها در کسوت استاد دانشگاه به تربیت شاگردان اندیشمند پرداخت. نگارش بیش از ۶۰ مقاله و تصنیف ۱۲ کتاب علمی و اجتماعی و شرکت در ۸۰ کنفرانس بین‌المللی داخل و خارج از ایران را در کارنامه خود دارد. سرانجام در شهریور سال ۱۳۹۶ را فانی را وداع گفت.

جوان‌ها را با مفاهیم جبهه و جنگ آشنا کنیم

راوی جبهه و جنگ که حافظه بسیار خوبی دارد و در اردوهای «راهیان نور»، روایتگر خاطرات و رشادت‌های رزمندگان بوده می‌گوید: «جوانان تحت تأثیر روایتگری‌های راهیان نور قرار می‌گیرند و برایشان مهم است در دفاع مقدس چه اتفاق‌هایی افتاده است. با معرفی درست شهدا به نسل جوان می‌توانیم از آنان به‌عنوان الگو استفاده کنیم.» او تأکید می‌کند: «برای فرهنگسازی باید روی بچه‌ها کار کنیم. آنها باید با مفاهیم جنگ و دفاع مقدس و ارزش‌ها آشنا شوند. من خودم یک شیوه روایتگری برای بچه‌ها ابداع کرده‌ام که مثل بازی با بیسیم برای بچه‌ها جذاب است.»



روایت پیروغلامان و خادمان حرم سیدالشهدا(ع) از اربعین این سالها

دل‌ها چون کربلا کوی حسین(ع) است

مژگان مهرابی

چهل روز از واقعه عاشورا گذشت. چهل روز سوگواری برای سالار شهیدان، سنت دیروز و امروز هم نیست، آیینی است به یادگار مانده از شیعیان و عزاداران ابا عبدالله‌الحسین(ع). یعنی حدود ۱۴۰۰ سال پیش. اصلاً اهل بیت نبوی(ع) برای زنده نگهداشتن نهضت حسینی این را یاب کرده‌اند. برای اینکه درباره قیام امام حسین(ع) فرهنگسازی شود. پدران و نیاکان ما هم، به پیروی از اجداد خود این رویه را پیش گرفته و به برگزاری مراسم اربعین سفارشان کرده‌اند. برای همین است که تأکید داریم هر سال با فرارسیدن روز چهلم امام، عزرا برپا کرده و با اطعام عزاداران حسینی یاد و خاطره شهدای کربلا را زنده نگه داریم. اما قریب به یک دهه می‌شود که رسم زیبایی دیگری در بین مردم باب شده و آن پیاده‌روی اربعین است. جماعتی عاشق پای پیاده مسافتی طولانی از مرز ایران تا کربلا را طی می‌کنند تا ارادت خود را به ارباب‌شان نشان دهند. اما از وقتی کرونا شیوع پیدا کرده این اقدام مثل گذشته با شور و حال و آن جمعیت چند میلیونی برگزار نمی‌شود. یعنی رعایت فاصله‌ها و ضرورت برپا نشدن دورهمی‌ها اجازه این کار را نمی‌دهد. اما باز کسانی که شور حسینی به سر دارند، برای حفظ آیین اربعین بی‌کار ننشسته و ایده‌های ناب که در سر دارند را عملی می‌کنند. اقداماتی که کمتر از عزاداری و پیاده‌روی اربعین نیست. این گزارش حاصل گفت‌وگو با کسانی است که خاطرات جالبی از خدمتگزاری به عزاداران امام حسین(ع) یا پیاده‌روی اربعین دارند.

کار جهادی جایگزین پیاده‌روی اربعین



«محمدحسین پیمان‌لو» مسئول اجرایی ستاد راهنمای زائر است. او سال‌ها در این ستاد فعالیت می‌کند. به گفته خودش ستاد راهنمای زائر یک NGO است که هم از شهرداری و هم از نیروی مردمی، خادم دارد. او می‌گوید: «۴۰۰ نیروی خادم به‌صورت ثابت و ۴ هزار خادم افتخاری در این ستاد خدمت می‌کنند. در سال‌های گذشته در شهرهای نجف و کربلا و جاده بین این ۲ شهر ۴۰ ایستگاه برگزار می‌کردیم. این تعداد خادم به زوار خدمت‌رسانی کرده و نیاز آنها را تأمین می‌کردند. سال گذشته که به دلیل بیماری کرونا امکان حضور در کربلا و خدمت‌رسانی نبود در جبهه دیگری فعالیت کردیم. عده زیادی از خادمان ستاد به سیستان و بلوچستان رفته و کار جهادی انجام دادند. مدرسه ساخته‌اند. آب لوله‌کشی وصل کردند.» به باور پیمان‌لو، رفع گرفتاری‌های مردم

بیشتر از هر کاری امام حسین(ع) را خشنود می‌کند او در ادامه می‌افزاید: «امسال هم همین برنامه را داریم که از آنها تعدادی از خادم به برای خدمت زائران به کربلا می‌روند که البته کم هستند چون سهمیه‌بندی شده است. آنهایی هم که مشرف نمی‌شوند برای کمک به قشر بی‌ضاعت راهی مناطق محروم می‌شوند. این کار به آنها آرامش می‌دهد.»



شیدای حسین(ع)

«مضاعلی قربانی» ملقب به شهید، پیروغلام و شاعر اهل بیت(ع) در محله طیب زندگی می‌کند. کمتر کسی در شرق تهران پسای روضه‌خوانی او ننشسته و از نوحه سرایی‌اش بهره‌برنده است. شهیدا از دوران نوجوانی تا الان که بیش از ۷۰ سال دارد، روضه‌خوان امام حسین(ع) بوده و در این راه خدمت کرده است. او درباره آداب روز اربعین می‌گوید: «فداکاری‌های امام حسین(ع) دین را زنده نگه داشته و بر ما مسلمانان واجب است این فداکاری‌ها را زنده نگه داریم. از امام حسن عسگری(ع) روایت شده یکی از ۵ نشانه مؤمن خواندن زیارت اربعین است. بنابراین اعمال واجب این روز، خواندن زیارت اربعین است.» او درباره اهمیت



زیارت امام حسین(ع) روایاتی را از ائمه معصومین(ع) نقل می‌کند: «امام موسی کاظم(ع) به یکی از یارانش فرمود امام حسین(ع) را مرتب زیارت کن. بارش گفت: «چگونه؟» و ایشان پاسخ داد هر وقت خواستی امام حسین(ع) را زیارت کنی برو زیر طاق آسمان یا بالای بام رو به قبله و به ایشان سلام بده. در روایت دیگری داریم که امام صادق(ع) زیارت امام حسین(ع) را بر هر مرد و زنی واجب کرده است. حال این زیارت می‌تواند مشرف شدن به کربلا باشد یا سلامی که فرد از خانه‌اش به آقا می‌دهد.» به گفته شهید، روز اربعین بازگشت اهل‌بیت(ع) به کربلا است برای همین از اهمیت بالایی برخوردار است.



در کربلا نظافتچی بودم



«مهدی بابایی» کارشناس روابط‌عمومی شهرداری منطقه ۸ که چندین بار به‌عنوان خادم راهی کربلا شده، می‌گوید: «خدمت کردن به زائران امام حسین(ع) لذت زیادی دارد. همه از هم سبقت می‌گیرند که بتوانند نظافت کنند. در صورتی که در جاهای دیگر این اتفاق نمی‌افتد. وقتی مسیری که زائران رد می‌شدند را جارو می‌زدیم نگاهم به گنبد طلایی آقا می‌افتاد گویی در آسمان‌ها سیر می‌کردم. وصف ناشدنی است.» ۲ سال در کربلا و یک سال هم در کوفه به‌عنوان نظافت‌چی بودم و افتخار می‌کنم چنین توفیقی نصیبم شده است. به خاطر دارم در کوفه با یکی از هموطنان اصفهانی که برای ساخت ضریح آمده بود آشنا شدم. می‌گفت چند سال از داشتن نعمت فرزند محروم بودم تا اینکه در همین سفرها که به عتبات عالیات داشتم و مشغول ساختن ضریح شدم از سوی حضرت زهرا(س) عنایتی به من شد و خداوند یک فرزند به من عطا کرد. به گفته بابایی امسال قرار است اقدام جالبی در منطقه ۸ انجام شود و اینکه شهرداری در نظر دارد ماکت ضریح امام حسین(ع) در میدان نبوت نصب کنند و روز اربعین با رعایت پروتکل‌های بهداشتی مراسم سوگواری برگزار شود.

برای اهل خانه روضه می‌خوانم



«مهدی رضایی» پسر مرحوم مرشد رجب روضه‌خوان است. همان مردی که پای تنور نانوايي نوحه‌سرایی می‌کرد و نان به دست مردم می‌داد. رضایی خود نیز مداح است. این را از پدر آموخته و جوانی‌اش را در این راه سپری کرده است. او درباره اهمیت اربعین می‌گوید: «مفهوم عدد»چهل« در فرهنگ اسلامی از قداست بالایی برخوردار است. از زمان ائمه(ع) به این مهم توجه داشتند. خود ما برای عزیزانمان مراسم چهلم برگزار می‌کنیم. برای اینکه یاد و خاطره‌اش را زنده کنیم. اربعین امام حسین(ع) هم همین معنا را دارد. برای اینکه هدف ایشان فراموش نشود.» او توصیه می‌کند چه خوب که شهروندان در روز اربعین، زیارت اربعین بخوانند و حتی با یک استکان چای به سوگ بنشینند. سیاهی نصب کنند. خود را عزادار نشان دهند. نسبت به این روز بی‌تفاوت نباشند. هدف فرهنگسازی است هرکسی می‌تواند با اقدامی که در توان دارد انجام دهد. خود من این روزها که کرونا اجازه دورهمی و برپایی روضه نمی‌دهد در خانه برای بچه‌هایم روضه می‌خوانم.» او خود خاطره جالبی از پیاده‌روی اربعین دارد. می‌گوید: «چند سال پیش مشرف شدم. نیمه‌شب بود که به یک روستایی رسیدیم. خسته و گرسنه. نای راه رفتن نداشتیم. در خانه یکی از روستاییان رفتیم و با آغوش باز ما را پذیرفتند. به بهترین نحو هم ما پذیرایی کردند.»

از راه دور هم می‌شود زیارت امام حسین(ع) را خواند

یکی دیگر از پیروغلامان بنام شرق تهران، «سید اصغر موسوی» است. او هدف از برگزاری مراسم اربعین را فرهنگسازی و زنده نگهداشتن پیام کربلا می‌داند و می‌گوید: «خیلی‌ها تصور می‌کنند برای اربعین فقط باید پیاده‌روی به عتبات عالیات داشته باشند. این خوب است اما هرکسی می‌تواند با آنچه در توان دارد مراسم عزاداری برگزار کند. مهم این است که فرد خود را سوگوار بداند. چه خوب که در خانه‌ها مراسم عزرا برپا شود. اگر کسی می‌تواند روضه بخواند. نمی‌توانند چند نفری دور هم نشسته سینه بزنند و حسین حسین بگویند. زیارت اربعین بخوانند. زیارت امام حسین(ع) فقط رفتن به کربلا نیست از راه دور هم می‌شود این کار را کرد. بسته به معرفت انسان‌ها دارد.» موسوی چند سال پیش توفیق پیاده‌روی اربعین را داشته و خاطرات زیادی از آن مراسم دارد.



سفره‌داری به سبک آقا «احسان»

«رضا عسگری» یکی از شهروندان خیابان فرجام است که چندین بار به کربلا مشرف شده و در پیاده‌روی اربعین شرکت کرده است. به باور او، پیاده‌روی اربعین یکی از اقدامات ارزنده‌ای است که برای معرفی قیام حسینی و شناساندن فلسفه عاشورا انجام می‌شود. او می‌گوید: «در هیچ جای دنیا نداریم میلیون‌ها نفر برای عرض ارادت به کسی پای پیاده‌راهی شوند و خستگی و تشنگی برایشان معنا نداشته باشد. این فرهنگ زیبا باید حفظ شود چراکه معرف قیام حسینی است.» او خاطره‌ای از یکی از سفرهایش تعریف می‌کند: «در یکی از سفرها همراه ۲ پسرم بودم. وقتی به کربلا رسیدیم ساعت ۵-۴ عصر بود. خسته بودیم و همه موکب‌ها پر شده بود. تصمیم گرفتیم به هتل برویم. اما هزینه هتل‌ها خیلی سنگین بود. ترسیدم موجودی کیفم جوابگو نباشد. داشتم با خودم فکر می‌کردم که چه کنم نکند هنگام بازگشت موجودی کم بیاورم که ناگهان مرد عربی به من نزدیک شد. فارسی بلد بود. اسمش احسان بود. نگاهم کرد و گفت چرا نگرانی ماجرا را گفتم. گفت چرا هتل بیا خانه من. موتور سه چرخه کرایه کرد و به مرد راننده نشانی داد که ما را به آن جا ببرد. قرار شد خودش هم پشت سر ما بیاید. به آن جا که رسیدیم دیدیم نوشته شده حسینیه حضرت رقیه(س) چند نفر دیگری هم بودند. از کسانی که آن جا بودند به استقبال ما آمدند. حمام کردیم و سفره پر نعمتی چیده شده بود. دفعات دیگری هم که به کربلا رفتم سری به آقا احسان می‌زدم.»



فرهنگسازی در روز اربعین

به گفته «مهدی آچرلو» فرمانده بسیج شهرداری منطقه ۱۳، قرار است امسال هم مثل سال‌های گذشته، جاماندگان از پیاده‌روی اربعین و زیارت کربلا از میدان امام حسین(ع) تا شهری پیاده‌روی کنند. او می‌گوید: «برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته تا این امر محقق شود. شهرداری مناطق هم به‌خصوص آنهایی که در مسیر میدان امام حسین(ع) تا شهری قرار دارند با برپایی موکب به شهروندان خدمت‌رسانی می‌کنند. اما نوع کارشان با سال‌های گذشته فرق می‌کند. اهدای محصولات فرهنگی و مواد بهداشتی و ماسک به جای مواد خوراکی از جمله اقداماتی است که در این موکب‌ها انجام می‌شود.» کانون جوانان منطقه ۱۴ هم در نظر دارد برای فرهنگسازی بسته‌های مواد غذایی و بهداشتی را در مناطق کم‌برخوردار توزیع کند. «حسین شیرازی» مسئول کانون جوانان منطقه ۱۴، می‌گوید: «همراهی‌های لازم با نیروی سپاه صورت گرفته و با همکاری آنها به یکی از مناطق محروم کشور رفته و کارهای جهادی انجام می‌شود.»



تاجبخش فنائیان، نویسنده و کارگردان پیشکسوت تئاتر در همسایگی ما زندگی می‌کند

مبارک آباد خلوت و سرسبز است

پریسا نوری

در طول ۳ دهه تدریس بازیگری و کارگردانی در دانشکده هنرهای زیبا هنرمندان بسیاری را تربیت کرده و برخی از ستاره‌های امروز سینما و تئاتر از جمله اصغر فرهادی، ابراهیم حاتمی کیا و حمید فرخ‌نژاد و... جزو شاگردانش بوده‌اند. «تاجبخش فنائیان» در نیم قرن سابقه نویسندگی و کارگردانی تئاتر و تلویزیون کارنامه درخشانی دارد و آثار فاخری را به روی صحنه برده است. ساعتی با این هنرمند و استاد ۷۱ ساله که در همسایگی ما و محله مبارک آباد زندگی می‌کند همراه شدیم. قرار گفت‌وگو را در محوطه باز نگارخانه برگ یعنی هنری‌ترین پاتوق محله مبارک‌آباد گذاشتیم. فنائیان که از تماشای این فضای تاریخی و هنری به وجد آمده، می‌گوید «با وجودی که در همسایگی این عمارت زندگی می‌کنم و بارها از جلو در آن گذشتم اما دقیقاً نمی‌دانستم چه جور جایی است و فکر نمی‌کردم ورود به آن برای عموم باز باشد.»

کودکی‌اش را در محله جوادیه گذرانده و تماشای یک پرده‌خوانی در کوچه‌پسکوبه‌های این محله جرقه برای ورود به دنیای هنر را در ذهنش روشن کرده است. می‌گوید: «بچه که بودم یک روز رقص نان بخرم. دیدم سر کوچه یک عده جمع شدند و پرده‌خوانی تماشا می‌کنند. اسکناسی که برای خرید نان در دستم بود را محکم در مشتم میچاله کردم تا مبادا گم شود و به تماشا

ایستادم. وقتی برنامه تمام شد و پرده خوان، بساطش را جمع کرد و رفت، تازه یادم افتاد باید به نانواپی بروم. به خیال اینکه هنوز اسکناس در دستم است، مشتم را باز کردم ولی دیدم نیست. یعنی به قدری محو تماشا شده بودم که متوجه نشده بودم که مشتم باز شده و اسکناس از دستم افتاده است.» صحبت به اینجا که می‌رسد، خاطره‌ای را تعریف می‌کند که باعث شده آینده‌اش را به دنیای هنر گره بزند. او می‌گوید: «قدیم‌ها عروسی‌ها را در حیاط خانه می‌گرفتند و بچه‌ها را هم به این مراسم راه نمی‌دادند. یادم است عروسی در خانه همسایه بود و پدر و مادرم رفته بودند و من را نبرده بودند. من هم رقص روی بالکن خانه که مشرف به حیاط همسایه بود و از آنجا عروسی را تماشا می‌کردم. برای مراسم چند نفر آمده بودند و نمایش روحوضی و سیاه بازی اجرا می‌کردند. خیلی از تماشای برنامه‌شان لذت بردم، دلم می‌خواستم جای بازیگرهای آن نمایش بودم. آنجا بود که عزمم را جزم کردم که در آینده به سراغ کارهای نمایشی بروم.»

همه جای تهران را دوست دارم

استاد فنائیان از ۴۰ سال پیش به شمال شرق تهران آمده و تجربه زندگی در محله‌های نارمک، تهرانپارس، پاسداران و مبارک‌آباد را دارد. می‌گوید: «وقتی ازدواج کردم چون مادر همسرم ساکن نارمک بود، من هم ابتدا در میدان هشتم محله نارمک ساکن شدم. بعدها که شدیم به خانه بزرگ‌تری حوالی بزرگراه شهید باقری محله تهرانپارس رقتیم. مدتی بعد به خیابان ساقدوش اسباب‌کشی کردیم و چند سال آنجا ساکن شدیم و الان حدود ۳ سال است که به میدان هروی آمده‌ایم.»

این هنرمند که معتقد است زندگی در شرق

دیده شوم. برای همین به کارگردانی و نویسندگی روی آوردم.» او ادامه می‌دهد: «الان هم با همسایه‌ها و اهالی محله ارتباط خوبی دارم. در جلسات ساختمان شرکت می‌کنم و در روابط احترام متقابل وجود دارد. سعی می‌کنم نقش مثبتی در ساختمان و محله داشته باشم اما هیچ‌وقت وارد موضوعات شغلی و حرفه‌ای نمی‌شوم و همه جا خودم را کارمند معرفی می‌کنم.»

در قرنطینه، شاهنامه را ۳ بار خواندم

پاندمی کرونا و تعطیلی سالن‌های تئاتر و مراکز هنری بسیاری از هنرمندان را خانه‌نشین کرد. برخی این فرصت را مغتنم شمرده و فعالیت‌های مورد علاقه‌شان را در خانه دنبال کردند. هنرمند هم‌محله‌ای ما در پاسخ به این سؤال که قرنطینه و دوره کرونا را چگونه سپری کرده می‌گوید: «با خانه ماندن سعی کردم از خودم و خانواده‌ام محافظت کنم. این خانه‌نشینی اجباری فرصت بسیار مغتنمی بود که خیلی از کتاب‌هایی که نخوانده بودم، بخوانم. همچنین خیلی از کتاب‌هایی که خوب نخوانده بودم را دوباره مطالعه کنم. شاهنامه را که اعتراف می‌کنم قبلاً فقط بخش‌هایی‌اش را خوانده بودم، ۳ بار خواندم. همچنین یک فیلم‌نامه سریال برای تلویزیون هم نوشتم.»

به‌زودی شاهنامه را روی صحنه می‌بزم

علاقه به ادبیات کهن در آثار ایسن کارگردان تئاتر مشهود است. او با اقتباس از حکایت‌های مثنوی مولانا چند نمایش از جمله «دژ هوش ربا» و «کمپیرک جادو» را به روی صحنه برده و قصد دارد داستان شاهنامه را هم به اجرا در آورد. می‌گوید: «وقتی در دوره قرنطینه با شاهنامه مانوس شدم، احساس کردم که چقدر بد است که خیلی از ما حتی روان خواندن این کتاب هم برایمان سخت است برای همین تصمیم دارم داستان‌های شاهنامه را با یک طراحی ویژه که عملیاتی باشه روی صحنه ببرم.»

آموزش با تولید هنر مرتبط نیست

فنائیان با ۴ دهه سکونت در شرق تهران، همه مراکز فرهنگی و سینمایی این پهنه را به خوبی می‌شناسد و معتقد است توزیع مراکز و فرصت‌های هنری در تهران به درستی انجام نشده است. می‌گوید: «در شرق تهران سینما بسیار کم است. در محله مبارک‌آباد و میدان هروی به تازگی یک سینما باز شده بود که با پاندمی کرونا ناکام ماند و چند ماه بیشتر نفس نکشید.» این استاد دانشگاه با گلایه از کمبود سالن‌های نمایش می‌گوید: «این وضع درباره سالن‌های نمایش اسفبار است. تقریباً هیچ مرکز نمایشی در شرق تهران نداریم و نه فقط در شرق تهران بلکه در همه جای کشور یک ناهماهنگی بین آموزش و تولید هنر دیده می‌شود. یعنی کسانی که از دانشگاه‌های هنر فارغ‌التحصیل می‌شوند، به مراکز تولیدی متصل نمی‌شوند و اکثراً بیکار و سرخورده در جامعه رها می‌شوند.»



اطلاعات فوری

تاجبخش فنائیان

متولد ۱۳۲۹

ساکن محله مبارک‌آباد (منطقه ۴ تهران)

شغل: استادیار دانشگاه تهران (بازنشسته)، نویسنده، کارگردان تئاتر و تلویزیون

تحصیلات: کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر (سال ۶۸) - دکترای مطالعات عالی هنر



بازی در نمایش «جنگ»، کارگردانی نمایش «جشن سالگرد»، کارگردانی نمایش «پرده‌برداری» کارگردان و بازیگر در نمایش «شب آخر»، بازی در فیلم سینمایی «توجه»، بازی در فیلم سینمایی «فقود»، بازی در فیلم سینمایی «پرواز در شب، کارگردان و بازیگر در نمایش «رولت روسی»، کارگردان و بازیگر در نمایش «تیر غیب»، کارگردان و بازیگر و نویسنده در نمایش «بند»، کارگردان و بازیگر در نمایش «صابرین»، نگارش و کارگردانی نمایش «پرده‌برداری»، نگارش و کارگردانی نمایش «تاجر ونیزی»، نگارش و کارگردانی نمایش «مکبیرد»، نگارش و کارگردانی نمایش «بانگ جرس»، بازی در نمایش تلویزیونی «مرد عمل»، کارگردانی نمایش «لیرشاه»، کارگردانی نمایش «دکتر شواتیز»، نگارش و کارگردانی نمایش «دژ هوش ربا»، کارگردانی نمایش تلویزیونی «مجموعه رمضان»، کارگردانی نمایش تلویزیونی «تاجر ونیزی»، نگارش و کارگردانی نمایش «کمپیرک جادو» و کارگردانی مجموعه تلویزیونی «حجرین عدی»، کارگردانی نمایش «راهی به سوی کعبه»، کارگردانی نمایش «ریچارد دوم»، کارگردانی نمایش «مرغ مینا»، کارگردانی مجموعه تلویزیونی «همه بچه‌ها ما»

بعد از کارگاه بسته‌بندی زعفران، کارگاه دیگری برای تولید صنایع‌دستی و قالبیابی با کمک خیران و تلاش این بانوی نیکوکار برای حمایت از بانوان سرپرست خانوار راهاندازی شد. صدی در این‌باره می‌گوید: «در کارگاه بسته‌بندی مواد غذایی، فضای کافی برای اشتغال همه بانوان نداشتیم از این‌رو کارگاه قالبیابی و صنایع‌دستی را راه‌انداختیم و جمعی از بانوان بدسرپرست و سرپرست خانوار که مهارت قالبیابی داشتند و از طرف بهزیستی معرفی شده بودند در آن مشغول به کار شدند.» او ادامه می‌دهد: «این کارگاه تا دو سال پیش و قبل از شیوع کرونا متمرکز بود، یعنی همه بانوان در یک جا جمع می‌شدند و قالی می‌بافتند، اما درحال حاضر به خاطر کرونا دارهای قالی را به خانه این بانوان منتقل کرده‌ایم و آنها در کنار رسیدگی به امور منزل به قالبیابی هم مشغول هستند و از این راه درآمد کسب می‌کنند.» این کارآفرین می‌گوید: «البته هنرهای دستی فقط قالبیابی نیست، در زمینه سایر هنرها اگر بانوان مهارت داشتند، تولیداتشان را عرضه



کار آفرین برتر هم‌محله‌ای دختران آسیب دیده اجتماعی را حمایت می‌کند

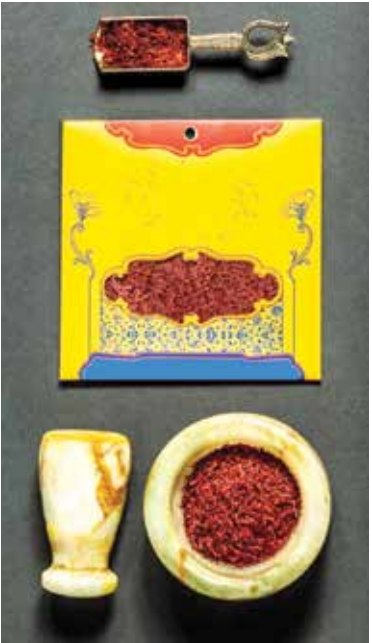
طلای سرخ در دست دختران یاس نیلی



پریسا نوری

در شمال شرق تهران؛ جایی نزدیک پل سیدخندان مرکز خیریه‌ای برای حمایت از دختران آسیب دیده اجتماعی فعالیت می‌کند. بانی این مرکز معتقد است مبنای حمایت از این دختران که عموماً بدسرپرست بوده و سال‌ها در مراکز وابسته به بهزیستی نگهداری شده‌اند، افزایش عزت نفس و توانمندی آنهاست. از این‌رو همزمان با شروع فعالیت خیریه، کارگاه کارآفرینی برای توانمندسازی و افزایش عزت نفس آنها دایر کرده است. هفته گذشته سری به دفتر خیریه «یاس نیلی» زدیم و با «نیلوفر صدی» این بانوی نیکوکار و کارآفرین که چند ماه پیش، لوح تقدیر و جایزه «کارآفرین برتر» را از معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده کسب کرده، گفت‌وگو کردیم.

صنایع‌دستی یاس نیلی را به مردم معرفی کنیم؛ سال ۹۶ و ۹۷ دو نمایشگاه در امارات و ترکیه داشتیم برای سال ۹۸ هم قرار بود در نمایشگاه عمان شرکت کنیم که به خاطر کرونا لغو شد.» او می‌افزید: «خوشبختانه به دلیل اینکه زعفران‌های تولیدی بانوان سرپرست خانوار ارگانیک است و کیفیت خوب و بسته‌بندی مناسبی دارد، با استقبال بسیاری بین مشتریان داخلی و خارجی مواجه شده و ما در داخل و خارج کشور مشتریان بسیاری برای این محصولات پیدا کرده‌ایم.»



برگزای دوره‌های روان‌شناسی

این دکتر روان‌شناس معتقد است علاوه بر داشتن استقلال مالی و توانمندی، الگوی ذهنی و سبک زندگی دختران آسیب دیده نیز باید تغییر کند، از این‌رو با برگزاری کارگاه‌های روان‌شناسی و آموزش مهارت‌های زندگی به آنها کمک می‌کند که زندگی خود را دوباره بیافرینند. او می‌گوید: «دختران آسیب دیده، در کنار اشتغال و کارآفرینی نیاز به حمایت‌های اجتماعی و روان‌شناسی دارند، از این‌رو در کنار بازارچه خیریه، سمینار آشنایی با آسیب‌های اجتماعی و راههای پیشگیری را برگزار می‌کنیم. در این سمینار به مخاطرات پیش روی جوانان، زنان و راههای پیشگیری آن اشاره شده و راههای پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین به کمک تیم آموزشی خیریه، به دختران برای افزایش سواد، یادگیری سایر مهارت‌های آموزشی و... کمک می‌کنیم.»

حمایت از ۵۰۰ بانوی سرپرست خانوار

علاوه بر حمایت از دختران آسیب‌دیده، خیریه یاس نیلی تعدادی از بانوان سرپرست خانوار را تحت پوشش دارد. صدی در این‌باره می‌گوید: «تیم مسدذکاری خیریه بالغ بر ۸۰ نفر از بانوان تحصیلکرده هستند که در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی، هنری، مشاوره و... فعالیت کرده و به بیش از ۵۰۰ نفر از بانوان سرپرست خانوار خدمات می‌دهند.» او درباره مددجویان خیریه این‌طور می‌گوید: «مددجویان ما بانوان سرپرست خانواری هستند که ز طریق بهزیستی به ما ملحق شده‌اند. او ادامه می‌دهد: «هدف ما توانمند کردن این افراد است. حتی اگر قالبیابی بلد نباشند یا علاقه‌ای به این هنر نداشته باشند، با افزایش مهارتشان در هر زمینه‌ای که علاقه‌مند هستند یا استعدادی دارند، به آنها کمک می‌کنیم تا ز روی پای خودشان بایستند.»

خوشحالی از تأمین هزینه‌های زندگی

ندا یکی از بانوانی است که از طریق بافندگی قالی در کارگاه یاس نیلی فعالیت می‌کند. او که ۲ فرزند ۱۱ و ۳ ساله دارد درباره آشنایی با خیریه یاس نیلی می‌گوید: «۳ سال پیش همسرم که بیک موتوروی بود در تصادف معلول و خانه‌نشین شد و من به ناچار نان‌آور خانواده شدم. از طریق یکی از آشنایان با این خیریه آشنا شدم چون بچه کوچک داشتم نمی‌توانستم بیرون از خانه کار کنم. دوستان خانم صدی برایم یک‌دار قالی و لوازم قالبیابی به خانه‌مان آوردند. قالیچه‌هایی را که می‌بافم برایم می‌فروشتند و پولش را به حسام واریز می‌کنند. خوشبختانه با این کار از پس هزینه‌های زندگی برآمده‌ام.

در آستانه ماه مهر وضعیت فضاهای آموزشی شمال شرق تهران را بررسی کرده‌ایم

شهر خالی از هیاهوی بچه‌ها!

پریسا نوری

◀ سال تحصیلی جدید از سوم مهر

آغاز می‌شود و طبق آخرین تصمیم

مدیران آموزش و پرورش و ستاد مقابله

با کرونا، آموزش حضوری در مهرماه

به ظرفیت کلاس‌ها و زیرساخت فضای

آموزشی مدارس بستگی دارد؛ با این حال

زمزمه‌هایی از بازگشایی مدارس در آبان

ماه به گوش می‌رسد. اما صرف‌نظر از اینکه

دانش آموزان از روز شنبه با کوله‌باری از

کتاب و دفتر راهی مدرسه شوند یا مثل

سال گذشته باز هم معلم‌شان را در قلاب

گوشی ببینند، واقعیت این است که در

یک قدمی مهر هستیم. به این بهانه

سراغ مدیر آموزش و پرورش و تعدادی

از مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

منطقه ۴ رفتیم تا از وضعیت آموزشی و

حال و هوای شمال شرق تهران در این

روزهایی که چندان بوی ماه مدرسه به

مشام نمی‌رسد؛ مطلع شویم. ▶

امکان رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در مدرسه نیست، از این‌رو با حضور دانش‌آموزان در مدرسه در این شرایط کرونایی مخالفم.» مدیر مدرسه ابتدایی «عباس وزان» ادامه می‌دهد: «مدرسه ما و خیلی از مدارس دولتی قدیمی هستند و حداقل ۳۰ سال است که ساختار فیزیکی‌شان دست نخورده است، بهتر است مسئولان کلان آموزش و پرورش از فرصت تعطیلی مدارس استفاده کرده و فضاهای آموزشی استاندارد و متناسب با فعالیت دانش‌آموزان درست کنند تا پاسخگوی نیاز امروز دانش‌آموزان باشد.»

فضای کافی برای حضور دانش‌آموزان نداریم

دبستان پسرانه «نوبی آشتیانی» در محله نارمک یکی از مدارس قدیمی شمال شرق تهران است که ۳۵۰ دانش‌آموز در مقاطع اول تا سوم ابتدایی در آن درس می‌خوانند. حیاط مدرسه به زحمت ۱۰۰ مترمربع است و کلاس‌ها هم به قدری کوچکند که ردیف نیمکت‌ها



شکوه رحیمی
مدیر مدرسه

ضدعفونی‌کننده وجود دارد و از نظر تأمین مواد ضدعفونی‌کننده برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی مشکلی نداریم؛ اما ازدحام دانش‌آموزان در کلاس زیاد است و حتی کلاس‌هایی با جمعیت ۴۳ دانش‌آموز داریم.» او ادامه می‌دهد: «در یکی دو سال اخیر به دلیل شیوع کرونا

خیلی از خانواده‌ها تمایلی به ثبت‌نام فرزندانشان در مدارس غیرانتفاعی نداشته، از این‌رو مدرسه ما شلوغ‌تر از گذشته شده است.» رحیمی می‌افزاید: «در حال حاضر بیش از ۵۰۰ دانش‌آموز را ثبت‌نام کرده‌ایم، در حالی که امکانات لازم برای این تعداد دانش‌آموز را نداریم، مثلاً حیاط مدرسه حداکثر گنجایش ۲۰۰ دانش‌آموز را دارد و سرویس بهداشتی و آب‌خوری‌ها هم کافی نیست.» این مدیر می‌افزاید: «به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب،

مدیر آموزش و پرورش منطقه ۴:

۲۲ مدرسه ۲ نوبته داریم

افزایش ظرفیت فضای آموزشی یکی از الزامات آموزش حضوری در شرایط کرونایی است، اما به نظر می‌رسد ظرفیت مدارس منطقه ۴ حتی در شرایط عادی هم کفاف دانش‌آموزان این منطقه را نمی‌دهد. مدیر آموزش و پرورش منطقه با نگرانی از کمبود سرانه آموزشی در این منطقه می‌گوید: «منطقه ۴ با توجه گستره وسیع جغرافیایی و تراکم بالای دانش‌آموزان که ناشی از ساخت‌وسازهای انبوه و ایجاد شهرک‌ها و عدم ایجاد فضای آموزشی و همچنین عدم اجرای ماده ۱۸ قانون شوراهای آموزش و پرورش مصوب مجلس شورای اسلامی، بیشترین مشکل را در فضای آموزشی دارد، تراکم جمعیت در کلاس‌های درس و فعالیت ۲۲ واحد آموزشی دو نوبته و پر تراکم موبد این معذاست.» او ادامه می‌دهد: «با توجه به اینکه

بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته جمعیت این منطقه پس از تکمیل و تحویل پروژه‌های انبوه سازی، افزایش خواهد یافت، تعداد دانش‌آموزان متقاضی تحصیل در این منطقه نیز افزایش چشمگیر خواهد داشت که این موضوع با توجه به عدم اجرای تعهدات قانونی انبوه‌سازان در این منطقه، به شدت موجب نگرانی دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت شده است.» «محمدحسین لونی» به مورد افزایش سرانه آموزشی در سال تحصیلی جدید می‌گوید: «در سال پیش رو «مجمع آموزشی شهید سلیمانی» به بهره‌برداری می‌رسد؛ همچنین با ایجاد دبیرستان پسرانه دور دوم در شرق منطقه (حکیمیه) بخشی از معضل کمبود فضای آموزشی برطرف می‌گردد ولی تا رسیدن به استانداردها راه درازی در پیش داریم.»

اگر آموزش اجبارا حضوری شود، من اجازه نمی‌دهم فرزندم به مدرسه برود.» او ادامه می‌دهد: «آموزش حضوری حتی اگر تعداد دانش‌آموزان در کلاس کم باشد هم خطرناک است، چون بچه‌ها نمی‌توانند چند ساعت ماسک را درست روی صورتشان بزنند یا دائم دست و مداد و دفترشان را ضدعفونی کنند.» «شکوه رحیمی» مدیر مدرسه عباس وزان هم از نگرانی والدین برای ثبت‌نام فرزندانشان در صورت حضوری بودن مدارس این‌طور می‌گوید: «ما هر روز چندین تماس از والدینی داریم که نگرانند آموزش حضوری باشد. آنها می‌گویند بچه‌هایشان را در این شرایط به مدرسه نمی‌فرستند.» او ادامه می‌دهد: «امیدواریم مدیران آموزش و پرورش و وزارت بهداشت گام‌های مؤثری برای رفع دغدغه خانواده‌ها بردارند.»

مدیر دبستان
نوبی آشتیانی:

«کلاس‌های مدرسه ما غیراستاندارد و کوچک است به‌طوری‌که اگر بخواهیم پروتکل‌ها را رعایت کنیم باید حداکثر ۵ دانش‌آموز در کلاس حاضر شوند و این موضوع به هیچ‌وجه عملی نیست چون با وجودی که زحمت معلم‌ها چند برابر می‌شود و باید درس را چندین بار تدریس کنند قطعاً نتیجه مطلوبی عاید نمی‌شود»

شکوه رحیمی مدیر
مدرسه عباس وزان:

«ما هر روز چندین تماس از والدینی داریم که نگرانند آموزش حضوری باشد. آنها می‌گویند بچه‌هایشان را در این شرایط به مدرسه نمی‌فرستند»

کلاس دومی‌ها تصویری از مدرسه ندارند

با وجودی که مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان با بازگشایی مدارس قبل از واکسیناسیون دانش‌آموزان مخالفند، اما همگی معتقدند آموزش غیرحضوری تعلیم و تربیت را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. «مریم مؤمنی نسب» مدیر دبستان «نوبی آشتیانی» در این‌باره می‌گوید: «ما سال گذشته مشکلی با آموزش آنلاین نداشتیم و خانواده‌ها همکاری خوبی با معلمان داشتند؛ اما ضعف آموزش غیرحضوری این است که بچه‌ها از کارکردهای مهم آموزش مانند رشد اجتماعی، کارگروھی، بهداشت روانی، یادگیری قوانین مدرسه، و... جا می‌مانند.» این مدیر می‌افزاید: «در آموزش آنلاین بچه‌ها فرصت با هم بودن، لذت بازی‌های گروهی در زنگ تفریح، تعامل با یکدیگر و... را از دست می‌دهند و این حلقه مفقوده آموزش غیرحضوری است.» او ادامه می‌دهد: «ما الان در پایه دوم، دانش‌آموزانی داریم که حتی یکبار به مدرسه نیامده و رنگ کلاس درس را ندیده‌اند.» مدیر دبستان «عباس وزان» هم از ضعف‌های آموزش آنلاین این‌طور می‌گوید: «مدرسه بخش فراموش نشدنی دوران کودکی و نوجوانی هر کسی است و فرصت کسب تجربیات ارزنده و شیرینی به دانش‌آموزان می‌دهد، اما آموزش آنلاین این فرصت را از بچه‌ها می‌گیرد.» «ساندانا شریفی» مادر یکی از دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی در تأیید حرف مدیر مدرسه می‌گوید: «در آسبب را می‌بینند، چون آنها باید مهارت پایه مانند خواندن و نوشتن را یاد بگیرند که هر قدرهم معلم‌ها تلاش کنند این مهارت‌ها با آموزش مجازی قابل انتقال نیست.» این مادر ادامه می‌دهد: «پسر من که امسال به کلاس دوم می‌رود، چون سال گذشته به مدرسه نرفته هیچ تصویری از زنگ تفریح، بازی در حیاط مدرسه، فضای کلاس و... ندارد و آموزش‌های خشک ابتدایی باعث شده از مدرسه دلزده شده و دلش نمی‌خواهد به مدرسه برود.»

دانش تدریس می‌شود، برای رشته کارندان چون دروسشان مهارتی و عملی است ناچاریم کارگاه‌های حضوری دایر کنیم اما برای رشته‌های نظری ترجیح ما این است که در شرایطی که دانش‌آموزان واکسینه نشده‌اند، آموزش غیرحضوری باشد.»

فرزندم را به مدرسه نمی‌فرستم

با وجود تلاش معلمان در سال گذشته، آموزش مجازی نتوانست جای آموزش حضوری را بگیرد، اما بازگشایی مدارس در شرایطی که دانش‌آموزان واکسینه نشده‌اند، برای والدین نگران‌کننده است. «نسترن شریفی» مادر یکی از دانش‌آموزان مدرسه «شهید جاجردی» محله کوکب در این‌باره می‌گوید: «چند روز پیش که با مدرسه تماس گرفتم گفتند ممکن است آموزش به‌زودی حضوری شود در این شرایط که کروناى دلتا کوچک و بزرگ نمی‌شناسد و حتی خردسالان را هم درگیر می‌کند،

فقط رشته کار و دانش حضوری است



زهرا اریابیان
مدیر مدرسه

دبیرستان دخترانه «آبسال» در شمیران‌نو و یکی از محله‌ها کم برخوردار منطقه ۴ واقع شده و به گفته مدیر مدرسه در سال گذشته برای اینکه دانش‌آموزان از چرخه آموزش آنلاین باز نمانند ۲۵ گوشی و تبلت توسط نیکوکاران خریداری شده است. اما با وجود دغدغه آموزش آنلاین، «زهرا اریابیان» هم تمایلی به حضور دانش‌آموزان در شرایط کرونایی ندارد. او در این‌باره می‌گوید: «ما در مجموع ۷۰۰ دانش‌آموز در مدرسه داریم و ظرفیت کلاس‌ها بالای ۴۰ نفر است پس نمی‌توانیم فاصله بهداشتی را رعایت کنیم.» او ادامه می‌دهد: «در مدرسه آبسال رشته‌های نظری و کار



«شاد» حال و هوای کلاس درس را تداعی نمی‌کند

سال گذشته آموزش آنلاین در بستر نرم‌افزار آموزشی شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد) برگزار شد و نقاط ضعف این نرم‌افزار به‌ویژه در ماه‌های اول مورد گلایه اولیای دانش‌آموزان و معلمان بود، به‌طوری‌که برخی مدیران مدارس ترجیح دادند نرم‌افزارهای دیگری را جایگزین کنند. امسال هم بنا بر تصمیم مدیران آموزشی قرار است این نرم‌افزار جایگزین یا مکمل آموزش حضوری باشد. مدیر مدرسه عباس وزان درباره ضعف‌های این نرم‌افزار آموزشی می‌گوید: «مهم‌ترین مشکل نرم‌افزار شاد این است که ارتباط و تعامل دوسویه بین دانش‌آموز و معلم برقرار نمی‌کند؛ برای همین ما در مدرسه‌مان از نرم‌افزار «اسکای روم» استفاده کردیم تا معلم و دانش‌آموزان یکدیگر را ببینند و شکل کلاس درس برایشان تداعی شود.» او ادامه می‌دهد: «به گفته مدیران وزارت آموزش و پرورش، امسال قرار است نسخه جدیدی از برنامه شاد جایگزین نسخه قبلی شود که امیدواریم در نسخه جدید این ضعف برطرف شده باشد.»



سایه سنگین کرونا و گرانی‌تر بازار نوشت‌افزار

یکی از لذت‌های مدرسه برای دانش‌آموزان و حتی خانواده‌ها، خرید دفترهای نو و مدادهای رنگارنگ و لوازم پرزرق و برق مدرسه است، برای همین تا دو سال پیش شهرپور که به نیمه می‌رسید بازار خرید نوشت‌افزار داغ می‌شد و علاوه بر مغازه‌های ثابت، بازارچه‌های موقت و نمایشگاه‌هایی برای فروش نوشت‌افزار در گوشه و کنار محله‌ها پر یا می‌شد. در ردیف مغازه‌های محله شمیران‌نو که یکی از راسته‌های تجاری منطقه ۴ است، بیشتر از همه کوله‌های رنگی مدرسه دیده می‌شد و بساط فروش لوازم مدرسه جلو مغازه‌ها و پهن و بازار فروش کشش و کوله مدرسه و نوشت‌افزار داغ بود. اما امسال هم مثال سال گذشته خبری از بریایی نمایشگاه و بازارچه نیست و بازار فروش نوشت‌افزار و کیف و کوله مدرسه در سایه کرونا راکد است. یکی از فروشندگان نوشت‌افزار می‌گوید: «تا قبل از کرونا شهرپور که می‌شد به اصطلاح عروسی ما بود، وقت سر خوارانند نداشتیم و شب‌ها با جیب پر پول به خانه می‌رفتیم؛ اما پارسال و امسال بازار کساد است. تبلت و گوشی جای دفتر و مداد را گرفته و خانواده‌ها فقط نوشت‌افزار ساده و ارزان‌قیمت می‌خرند.» او ادامه می‌دهد: «یک دلیلش این است که با آموزش آنلاین دیگر اهمیت ندارد که جلد دفتر فانتزی و قشنگ باشد یا مداد و خودکارشان عطری و شیک باشد، اما دلیل دیگرش هم این است که نوشت‌افزار گران و قدرت خرید مردم کمتر شده است. یعنی اگر کرونا هم نبود باز هم بازارمان رونق سابق را نداشت.»

و گلوکز ایران» هم در این محله بودند. اعتصامی در توضیح بیشتری می‌گوید: «در شمال غرب چهار راه کشوری فعلی کارخانه نساسته و گلوکز ایران بود و در جنوب‌شرق این چهارراه هم کارخانه مرکب ایران ساخته شده بود. پدر من کارمند بازنشسته کارخانه نساسته و گلوکز بود. این دو کارخانه دولتی بودند و هر دو در دهه ۶۰ تعطیل شدند و کم‌کم ساختمان‌شان هم ازبین رفت.»

جزیره «مهران»

محله مهران فعلی از شمال به بزرگراه شهید همت، از غرب به خیابان شریعتی، از شرق به بزرگراه شهید سیاد شیرازی و از جنوب به بزرگراه رسالت محصور و به شکل جزیره شده است. اعتصامی در این‌باره می‌گوید: «قبل از ساخت بزرگراه‌های شهید زین‌الدین و شهید سیاد شیرازی، مهران با محله‌های ضاربخانه و کاظم‌آباد یکپارچه بود ولی بعد از ساخت بزرگراه‌ها به‌صورت جزیره درآمد. بیشتر مردم تهران محله مهران را جزو محله ضاربخانه یا سیدخندان می‌شناسند در صورتی که مهران یک محله قدیمی و مستقل است.

رودخانه ابوذر

رودخانه‌ای از مهران گذر می‌کند و خیابانی به نام «رودخانه» در محله وجود دارد. این رودخانه از خیابان شریعتی وارد شده و پس از عبور از خیابان خواجه عبدالله و ابوذر، به بزرگراه رسالت می‌رسد و تا پایین دست امتداد دارد. پژوهشگر محله درباره رودخانه این‌طور می‌گوید: «رودره دریند به سه شاخه تقسیم می‌شود که یکی از شاخه‌های اصلی آن پس از عبور از خیابان شریعتی به محله مهران وارد می‌شود. این شاخه چون از خیابان ابوذر عبور می‌کند به رودخانه ابوذر معروف است و بعد از بزرگراه رسالت وارد مسیل باختر می‌شود و در نهایت به شست ورامین می‌رسد.»



محمدرضا اغصامی
کارشناس شهرسازی و پژوهشگر محله

بانک خودروپی

در محله مهران کوجهای به نام «بزرگراهک» وجود دارد. این کوجه، نیش بانک ملت و همجسوار با خیابان شریعتی است. اعتصامی درباره وجه تسمیه این کوجه می‌گوید: «دلیل نامگذاری کوجه این است که یکی از قدیمی‌ترین بزرگراهک‌های تهران(عابرانکسی که طوری تعبیه شده که برای استفاده از آن نیاز به پیاده شدن از خودرو نیست) در این محله بوده است.» او توضیح می‌دهد: «تا آنجایی که من به خاطر دارم این بزرگراهک غیرفعلال بوده و فقط شعبه بانک دایر بوده است.»

«چاپارل» اینجاست

در اوایل دهه پنجاه یک سریال وسترن آمریکایی از تلویزیون پخش می‌شد به نام «چاپارل»؛ برخی واژه‌های این سریال پرمخاطب در زندگی روزمره مردمان آن زمان وارد شده بود. مثلاً بخش شمالی محله مهران به نام «چاپارل» و ساکنانش به «چاپارلی» معروف شده بودند. اعتصامی در این‌باره می‌گوید: «در شمال خیابان عراقی یعنی بالای قنات که بخش خشک و لم یزرع محله بود؛ یک عده مهاجر آمده بودند و زمین‌ها را به زور تصرف کرده بودند و در آن الونک‌هایی شبیه خانه ساخته بودند. اهالی محله به این محدوده مهاجرت‌نشین «چاپارل» می‌گفتند و حتی تا ۲۰ سال پیش هم این اسم‌ها در محله شنیده می‌شد.

کارخانه‌هایی که تعطیل شدند

به گفته پژوهشگر محله، علاوه بر کارخانه باروت کوبی، دو کارخانه «مرکب سازی» و «نساسته

قنات مهران

بعد از اینکه قنات اصلی مهران را به سمت ارگ منحرف کردند، ارباب ده که «اردشیر» نام داشته و مالک باغ مهران بوده، قنات جدیدی برای آبیاری باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی ده حفر می‌کند. تقسیم آب قنات ساعتی بوده و باغدارها و زمین دارها بسته به مقدار زمین‌شان سالانه آب را خریداری می‌کردند؛ مثلاً قرار می‌گذاشتند که هفت‌ای دو ساعت آب به زمینشان هدایت شود و پولش را به ارباب می‌دادند.

«میراب» یا همان امیر یا رئیس آب هم حواش بوده که کسی بیشتر از زمانش از آب استفاده نکند. «محمدرضا اعتصامی» کارشناس شهرسازی و پژوهشگر محله که پدربزرگش از ساکنان قدیمی مهران بوده می‌گوید: «مظهر قنات محله مهران در تقاطع خیابان شهید عراقی و کشوری فعلی است و آب این قنات همچنان در جوی‌های خیابان شهید عراقی جاری است و چنارهای دو طرف خیابان را آبیاری می‌کند؛ اما تا ۳

دهه پیش مردم این‌اب را برای آبیاری درختان به داخل حیاط خانه‌شان هدایت می‌کردند.»

ساخت کارخانه باروت کوبی

در زمان ناصرالدین شاه قورخانه یا کارخانه اسلحه‌سازی ساخته شد و چون این کارخانه باروت نیاز داشت به دستور شاه در چند جای تهران کارخانه باروت ساخته شد. یکی از این کارخانه‌ها در ده مهران ساخته شد و با ساخت آن، ده به دو بخش تقسیم شد. بخش «مهران اردشیر» و بخش دیگری که تأسیسات کارخانه باروت‌سازی در آن بود «مهران قورخانه» نامیده شد. دکتر ستوده درباره کارخانه باروت کوبی ده مهران می‌نویسد: «قلعه مهران در شمال غربی مجیدیه بوده است. در زمان ناصرالدین شاه محلی برای تهیه باروت سیاه در اینجا ساخته بودند که معروف به باروت کوبی مهران بوده است.»



مرور تاریخچه یکی از محله‌های قدیمی شمال شرق تهران

مهرانی

قریه‌ای به قدمت طهران

پرسا نوری

◀ محله مهران در غربی‌ترین بخش منطقه ۴ و یکی از قدیمی‌ترین محله‌های پایتخت

است. ده مهران در دوره قاجار آبادی سرسبزی در جاده قدیم شمیران بوده که مردم در زمان خروج از دروازه‌های شمالی ری، برای رفتن به بیلاق‌های کوهپایه از آن گذر کرده و با استراحت در باغ‌های پردار و درخت و کنار قنات کهنسال این روستا، خستگی راه را از تن به در می‌کردند. ▶

در تاریخچه تهران قدیم آمده که قدیمی‌ترین قنات تهران، قنات «مهران» نام داشته که قدمتش بیش از هزار سال است و چون مظهرش در «ده مهران» بوده به این نام معروف شده. «اعتمادالسلطنه» از رجال دربار ناصری درباره ده مهران گفته است: «این ده دارای قنات بزرگی بود که در دوره قاجار آب آن را به سمت ارگ منحرف کردند و نامش را نگارستان گذاشتند. در نتیجه، قسمتی از ده مهران خشک شد و ناچار شدند قنات دیگری در شمال مهران بسازند.» او در جایی دیگر گفته است: «۲۰ مسیل از مسیل‌های

حساس به دود آتش‌خانه و گاز

چمن عروس یا «هلکسین» گیاهی است با بافت‌ریز، فشرده و رشد سریع که برگ‌های ریز، گرد و انبوه دارد. کارشناس مرکز تحقیقات، آموزش و مشاوره اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۳ می‌گوید: «برگ‌های این گیاه ساقه‌ها و لبه گل‌دان را می‌پوشاند و از آن فرو می‌ریزد و بهتر است برای پرپشت شدن و جلوگیری از رشد طولی گیاه جوانه‌های انتهایی آن را هر چند وقت یک‌بار قطع کنید تا جوانه‌های جانبی بیدار و رشد کنند. این گیاه برای پوشش گل‌دان‌های بزرگ و سید آویزان مناسب است و می‌توان آن را

توصیه کارشناس فضای سبز منطقه ۱۳ برای داشتن محیط دلنشین در محل سکونت

خانه‌تان را

با چمن عروس سبز کنید



◀ اگر در کاشت و نگهداری گل و گیاه تازه کار اما در این زمینه علاقه‌مند هستید، می‌توانید فعالیت

خود را با مراقبت از گیاه «چمن عروس» شروع کنید که در هر جای خانه اگر نور مناسب دریافت

کند، می‌تواند به رشد خود ادامه دهد. این گیاه حتی می‌تواند جایگزین چمن شود و آن را در کنار

پله‌ها، تراس و... بکارید. توضیحات بیشتر درباره نحوه نگهداری و تکثیر این گیاه را «لیلا عشرتی‌پور»

کارشناس مرکز تحقیقات، آموزش و مشاوره اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۳ ارائه کرده که در

ادامه می‌خوانید. ▶

در حاشیه پله‌ها، تراس و جاهای سایه... کاشت. در فصل سرد نیز گیاه چمن عروس از بین می‌رود ولی نگران نباشید سال دیگر با شتاب بیشتر نمایان می‌شود و دوباره گسترش پیدا می‌کند. یادتان باشد خاک مناسب این گیاه، کمپوست است که بهترین محیط رشد برای این گیاه محسوب می‌شود. همچنین هلکسین نسبت به دود آتش‌خانه و گاز حساس است، برای همین این گیاه را در هوای مملو از اکسیژن نگهداری کنید.»

نیازهای چمن عروس

برای اینکه چمن عروس شما سرسبز و شاداب باشد، باید به وضعیت نور، دما، رطوبت و آبیاری و تغذیه آن توجه داشته باشید.

عشرتی‌پور در این‌باره می‌گوید: «چمن عروس

گیاهی سایه‌دوست است. اگرچه بهترین رشد را در نور

کافی دارد، ولی در تمام نقاط آپارتمان قابل نگهداری

است، برای همین از معرض نور مستقیم آفتاب به‌ویژه

بعد از آبیاری آن را در امان نگه‌دارید. دمای مناسب

برای این گیاه هم در زمستان ۷ درجه و در تابستان

۲۱ درجه (حداقل) است. تابش اشعه مستقیم آفتاب

و تابستان گیاه را دچار سوختگی برگ‌ها می‌کند.»

او می‌افزاید: «آبیاری این گیاه مهم است و چمن

عروس نسبت به خشکی حساس بوده ولی باید بین

دو آبیاری خاکش خشک شود. (این قانون در هر گیاه

در گل‌دان صدق می‌کند). مد نظر داشته باشید آبیاری

از بالا و با فشار باعث درهم ریختگی ساقه‌ها می‌شود

برای همین همیشه از زیر ساقه‌ها و از کنار گل‌دان آب بدهید. غبارپاشی روزانه در صورت بالا بودن درجه حرارت (۲۱ درجه) و در غیراین صورت هفته‌ای یک‌بار توصیه می‌شود. اما در صورت بروز لکه قهوه‌ای اسپری را متوقف کنید.»

تکثیر آسان

این گیاه سرسبز و جذاب را می‌توانید در خانه تکثیر کنید و به دیگران نیز هدیه دهید. عشرتی‌پور در این‌باره توصیه می‌کند: «زمان تعویض گل‌دان بهتر است گیاه نیز تکثیر شود، قطعات ریشه‌دار این گیاه گل‌دان جدیدی را به وجود می‌آورد. البته بهترین زمان برای تکثیر، گرفتن قلمه ساقه در بهار و تقسیم پسته در بهار یا پاییز است. در فصل بهار و شروع فصل رشد گیاه که پر پشت‌تر می‌شود می‌توانید آن را از گل‌دان خارج کنید و خاک‌های اطراف ریشه‌ها

را به آرامی با یک مداد کنار بزنید، بر حسب نوع رشد ریشه گیاه را به چند قسمت تقسیم کنید، به‌طوری‌که هریک از قسمت‌ها ریشه و ساقه مطلوب داشته باشد، تقسیمات را درون گل‌دان‌های جدید بکارید و برای تشویق ریشه به آب‌پایی و توسعه دو روز اول آن را آبیاری نکنید.» او می‌افزاید: «این گیاه اگرچه نیاز چندان به تغذیه مصنوعی ندارد، ولی تغذیه با کودهای مایع یا جامد محلول در آب مخصوص گل‌های زینتی طبق دستور هر دو هفته یک‌بار باعث رشد سریع آن می‌شود. برای تمیز کردن برگ‌ها نیز توجه داشته باشید چون برگ‌ها خیلی‌ریز هستند، غبارپاشی در این مورد کافی به نظر می‌رسد.»

www.Rahnama.com	تلفن دفاتر قبول آگهی	niazmandiha.official
تهران	تلفن دفاتر قبول آگهی	شرق
آزادی ۶۶۸۶۷۹۶۴	کلهک ۲۲۸۴۷۳۲۶	افسریه ۳۳۸۰۸۰۶۹
آیت... کاشانی ۴۴۰۷۴۰۳۴	لويزان ۲۲۹۸۴۳۸۸	بلوار پروین ۷۷۲۹۸۴۵۱
بلوار فردوس ۴۴۰۵۱۳۱۷	ملاصدرا ۸۸۰۳۲۷۷۱	پیروزی ۳۳۷۹۳۰۲۳
پونک ۴۴۴۳۵۷۲۷	ستارخان ۴۴۴۷۲۷۱۲	تهرانپارس ۷۷۸۸۸۷۷۷
توحید ۶۶۹۴۰۵۳۸	سعادت آباد ۸۸۶۹۶۰۱۰	تهران نو ۷۷۹۰۲۶۴۶
تهرانسر ۴۴۵۶۱۳۳۳	شهران ۴۴۳۳۵۹۶۶	حکیمیه ۷۷۳۰۷۸۳۰
دهکده المپیک ۴۴۱۴۶۶۳۳	شهرک اکباتان ۴۴۶۶۵۹۴۹	خاوران ۳۳۸۳۹۶۰۲
جلال آل احمد ۸۸۲۶۵۵۵۳	شهرک غرب ۸۸۳۷۲۹۷۱	سه راه افسریه ۳۳۸۰۸۸۸۴
جنت آباد ۴۴۴۷۲۷۱۲	صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۵	رسالت ۲۲۵۳۲۴۴۷
۴۴۲۱۶۶۸۹	فرحزاد ۲۲۰۶۱۸۷۷	فرجام ۷۷۲۰۷۹۳۹
۸۸۶۹۶۰۱۰	فلکه اول شهران ۴۴۳۳۵۹۶۵	قنات کوثر ۷۷۳۷۱۷۰۰
۴۴۳۳۵۹۶۶	فلکه دوم صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۶	مجیدیه ۴۲۵۰۱۸۷۹
۴۴۶۶۵۹۴۹	میدان المپیک ۴۴۱۴۶۶۳۰	میدان امام حسین ۷۷۵۰۰۵۸۳
۸۸۳۷۲۹۷۱	نواب ۶۶۴۳۰۹۰۳	نارمک ۷۷۹۴۴۴۲۷
صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۵	هاشمی ۶۶۳۷۹۱۵۱	نبرد ۳۳۶۹۶۰۶۰
فرحزاد ۲۲۰۶۱۸۷۷	دفاتر بازاربایی نیازمندی‌ها	نظام آباد ۷۷۸۴۴۰۱۴
۴۴۳۳۵۹۶۵	اشرفی اصفهانی ۴۴۰۰۶۵۶۹	نیروی هوایی ۷۷۹۸۰۹۷۰
۴۴۰۷۹۰۰۶	اندیشه ۸۸۵۰۵۰۱۱	جنوب
۴۴۱۴۶۶۳۰	چغان آرا ۸۸۰۵۷۳۶۰	امیریه ۵۵۳۷۵۰۴۱
۶۶۴۳۰۹۰۳	چهارراه قصر ۸۸۱۷۷۵۳۶	فراسان ۳۳۵۴۲۱۸۶
۶۶۳۷۹۱۵۱	چهارراه ولیعصر ۸۸۱۷۷۵۳۶	خزانه بخت‌رازی ۵۵۰۵۵۰۱۰
۸۸۱۷۷۵۳۶	سهروردی جنوبی ۸۸۹۳۳۷۰۰	دولت آباد ۳۳۷۶۷۵۱۶
۸۸۱۷۷۵۳۶	کریخان ۸۸۸۰۶۱۴۲	سه راه آذری ۵۵۷۳۳۴۳۵
۸۸۱۷۷۵۳۶	مرزداران ۴۴۷۶۰۰۹۱	شوش ۵۵۰۵۰۴۲۴
۸۸۱۷۷۵۳۶	معلم ۸۸۴۵۰۸۰۵	شهری ۵۵۹۵۱۲۶۹
		عبدل آباد ۵۵۸۴۳۶۲۴
		کارگر جنوبی ۵۵۶۵۱۰۲۴
		مولوی ۵۵۸۱۷۴۰۸
		مهرآباد ۶۶۲۸۷۶۱۹
		نازی آباد ۵۵۰۷۹۴۰۰
		وحدت اسلامی ۵۵۸۱۵۵۰۲
		یافت آباد ۶۶۶۲۱۹۰۱
		بهشت زهرا ۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹

تلفن پذیرش آگهی ۱۸۱۹

شبانہ روزی



● صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
● سردبیر: مهدی علیپور

● دبیر تحریریه: علی‌الله سلیمی
● تحریریه: پروانه بهرام‌نژاد
پریسا نوری / سارا جعفرزاده
مژگان مهرابی / اقیمه شیرازی

● مدیر هنری: کامران مهرزاده
● صفحه‌آرایی: محمدرضا محمدی‌تاش / علی حسینی / میلاد رفاقتی
فائزه توکلی
● حروفچینی و تصحیح: منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان

● نشانی: خیابان ولی‌عصر (عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● کد پستی: ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● صندوق پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● تلفن: ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● دورنگار: ۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت

مژگان مهرابی

قدمت مسجد محله مسگر آباد

مسجد رسول اکرم (ص) تنها مسجد محله مسگر آباد، قدمت زیادی دارد که به اواخر دوره قاجار برمی‌گردد. یعنی زمانی که ناصرالدین شاه طایفه کلهرها را از کرمانشاه به روستای مسگر آباد تبعید کرد. آن‌طور که قدیمی‌های محله روایت می‌کنند، زمین مسجد را ۴ برادر از طایفه کلهرها که ناصرالدین شاه آنها را از کرمانشاه به مسگر آباد تبعید کرده بود وقف کرده‌اند. از قرار معلوم زمین اولیه آن ۲۰۰ متر بوده و ۲ گنبد داشته است. اما بعدها که جمعیت مسگر آباد بیشتر می‌شود، به دلیل کمی فضای شبستان، خانه‌های اطراف توسط اهالی و خیران خریداری و به وسعت مسجد افزوده می‌شود. در کنار مسجد، حسینیه‌ای به چشم می‌آید که فضایی بالغ بر هزار و ۸۰۰ مترمربع را تشکیل می‌دهند. «محمود غلامی» از پیشکسوتان محله می‌گوید: «تخت‌سین کسی که امامت مسجد را برعهده داشت ملا «محمود کلهر» دایی مادرم بود. ملا محمود در کنار رسیدگی به امور مذهبی مردم کشاورزی هم می‌کرد. برای مردم اینجا پدری کرد و خدمات زیادی هم انجام داد. شهید شیخ «علی اوسط» فرزند او است. بعد از ملا محمود، شیخ «محمود برهان» امام جماعت مسجد شد. او را پدر حاج آقا مجتبی تهرانی معرفی کرده بود. شیخ برهان چون سن بالایی داشت شیخ حسین کلهر را جانشین خود کرد و فقط در ایام محرم و صفر و ماه رمضان خودش سخنرانی می‌کرد. تا همین چند سال پیش هم شیخ حسین امامت مسجد را برعهده داشت.» به گفته اهالی، مسجد مسگر آباد یکی از پایگاه‌های مبارزاتی در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بوده و در شکل‌گیری فعالیت‌های انقلابی نقش پررنگی داشته است. حتی در برهه‌ای از زمان مامن شهیدان نواب صفوی و سید علی‌اندرزگو بوده است. گویا بخش اعظمی از اعلامیه‌های امام خمینی (ره) هم در اینجا چاپ و به دست مردم می‌رسیده است.



خبر کوتاه

ساماندهی افراد بی‌خانمان در مددسراها



طرح ساماندهی افراد بی‌خانمان، متکدیان، کارتن‌خواب‌ها و آسیب‌دیدگان در منطقه ۸ در حال انجام است. معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۸ در این‌باره گفت: «طرح ساماندهی افراد بی‌خانمان با مشارکت شهرداری نواحی سه‌گانه، فوریت‌های سازمان خدمات اجتماعی با هدف ارتقای امنیت شهروندان در منطقه ۸ در حال اجراست.» «محمد بنی‌حسن» ادامه داد: «با توجه به اینکه طرح جمع‌آوری افراد کارتن‌خواب در سه ماه اخیر با موفقیت انجام شده، همچنان این طرح ادامه دارد و ما در حال تدارک مرکزی هستیم تا این افراد بتوانند در این مرکز مشغول به کار شوند و امورات خود را بگذرانند البته در حال حاضر هم تعدادی از این افراد در مراکز کوثر مشغول به کار هستند.» او افزود: «در منطقه ۸ مددسرای بانوان نیز به‌صورت شبانه‌روزی پذیرای بانوان آسیب‌دیده است که ما در نظر داریم برای اشتغال این افراد تمرکز بیشتری داشته باشیم تا گامی برای شروع یک زندگی جدید برای این افراد برداریم.»

خبر خطی

منطقه ۴ در آستانه فصل پاییز و با هدف پیشگیری از آلودگی احتمالی، نه‌رها و مسیل‌های منطقه ۴ بازیابی و پاکسازی شد. به گفته معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۴ زباله‌های ریخته شده در نه‌رها یکی از عوامل اصلی آلودگی است که متأسفانه در روزهای کرونایی زباله‌هایی چون ماسک به آن افزوده شده است.

منطقه ۸ در پیچه‌های کامپوزیت برای جلوگیری از سرقت در پیچه‌های فلزی و مقاومت بالا در نواحی مختلف منطقه ۸ نصب می‌شود. این نوع در پیچه‌ها جایگزین در پیچه‌های قدیمی و فرسوده فلزی می‌شود. منطقه ۱۳ سدمعبر مصالح ساختمانی محدوده شهرداری ناحیه ۲ منطقه ۱۳ رفع شد. به گفته «حسین معصومی» رئیس اداره شهرسازی شهرداری ناحیه ۲، رفع سدمعبر مصالح خیابان دوم نیروی هوایی برای رفاه حال عابران و ساکنان برطرف شده است. همچنین وضعیت ساختمان‌های در حال ساخت مستمر رصد می‌شود.

منطقه ۱۴ کانون جوانان منطقه ۱۴ با مشارکت هیئت اسکواش جنوب‌شرق تهران کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کند. این کلاس‌ها برای رده‌های سنی نونهالان تا بزرگسالان در نظر گرفته شده و رایگان برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۳۳۱۹۳۵۸۵ تماس بگیرند.

منطقه ۱۵ واحدهای تجاری و اصناف خیابان صالحی در محدوده شهرداری ناحیه ۳ در زمینه مدیریت پسماند آموزش می‌بینند. آموزشگران اداره مدیریت پسماند، چهره به چهره به اصناف حضوری به شهروندان در بوستان امیرکبیر تفکیک پسماند را آموزش می‌دهند.

الو محله

ممنوعیت پارک در زمین بایر

منطقه ۴ قطعه زمینی در خیابان بنی‌هاشم محله کاظم‌آباد وجود داشت که شهرداری پس از آسفالت و بهسازی به‌عنوان پارکینگ عمومی در اختیار شهروندان قرار داده بود. اما مدتی است که ورودی این زمین بسته شده و امکان توقف خودرو در آنجا نیست.

نیما دانش‌پژوه، ساکن بنی‌هاشم

پاسخ مسئول زمین مالک خصوصی دارد که اجازه نمی‌دهد ملکش به‌عنوان پارکینگ مورد استفاده قرار بگیرد.

روابط عمومی شهرداری ناحیه یک منطقه ۴

لزوم فعالیت ایستگاه ورزشی آقایان

منطقه ۸ ایستگاه‌های تخصصی ورزشی آقایان تا قبل از کرونا در اکثر بوستان‌ها دایر بود اما متأسفانه در حال حاضر فعال نیست. خواهشمندم این موضوع را پیگیری کنید.

بیژن محبی-ساکن محله تسلیحات

پاسخ مسئول در حال حاضر با توجه به شرایط شیوع ویروس کرونا ایستگاه‌های ورزش آقایان در همه بوستان‌ها فعال نیست و شهروندان می‌توانند برای اطلاع از ایستگاه‌های بوستان‌ها به اداره اجتماعی شهرداری ناحیه یا سرای محله مراجعه کنند.

محمد بنی‌حسن، معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۸

زباله‌های سرگردان

منطقه ۱۴ یکی از معضلات خیابان خاوران و کوچه‌های منتهی به آن وجود زباله و گل و لای در نه‌هاست که با توجه به بارندگی‌های پاییزی پیش رو می‌تواند در دسرهای زیادی را برای اهالی درست کند. خواهشمندم به این مشکل رسیدگی کنید.

حمید جعفرزاده-ساکن خیابان جنگروی

پاسخ مسئول برای جلوگیری از آلودگی احتمالی معابر عملیات ویژه لایروبی و پاکسازی کانال‌ها و نه‌های منطقه ۱۴ انجام شد.

محمدحسن فصیح، معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۴

تعیین تکلیف بوستان امام‌زمان (عج)

منطقه ۱۵ مدتی است که مسئولان وعده ساخت بوستانی را در خیابان شهید اسکندر لو را داده‌اند اما با توجه به پایان فصل تابستان این بوستان هنوز به بهره‌برداری نرسیده است.

شیرین نوری-ساکن محله رضویه

پاسخ مسئول بوستان امام‌زمان (عج) در حال حاضر به‌پیشرفت ۶۰ درصدی رسیده و در مرحله اجرای جدول‌بندی و پیاده‌روسازی است که به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسد.

سعید دادگستر، شهردار ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۱۵

کتاب هفته

کتاب پیشنهادی برای مطالعه در پایان هفته به سوی میمک



کتاب پیشنهادی برای مطالعه در پایان این هفته، اثری با موضوع دفاع مقدس و با عنوان «به سوی میمک» ناگفته‌هایی از نخستین پیروزی ایران در جنگ و خاطرات سیاسی و اجتماعی به قلم علی‌کرم محمدیان است. کتاب حاضر در قالب خاطرات راوی و در شش فصل تنظیم شده که راوی در فصل اول با عنوان «دوران کودکی تا دبیرستان» به ایام کودکی و نوجوانی خود در میان عشایر ایل خزل می‌پردازد. در فصل دوم کتاب با عنوان «دوران دانشجویی و کلید خوردن انقلاب اسلامی» به مواردی همچون ورود راوی به دانشگاه، حضور در تشکلهای

دانشجویی و آشنایی با نهضت امام خمینی (ره)، شرکت در کلاس‌های مذهبی و دستگیری توسط ساواک اشاره می‌شود. فصل سوم کتاب درباره پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی است. خاطراتی که در این فصل تعریف می‌شود، بیشتر حال و هوای روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حفاظت از مرز میمک به‌عنوان نخستین حکم‌کمیته، حضور داوطلبانه عشایر در پاسگاه‌های مرزی برای مقابله با هرگونه تهدیدی از جانب دشمن. در فصل چهارم کتاب که عنوان «افسر عقیدتی-سیاسی» برای آن انتخاب شده، خاطرات اعزام به خدمت و فعالیت راوی به‌عنوان افسر عقیدتی-سیاسی در کنار نیروهای ارتشی بیان می‌شود. او در این ایام با افرادی مانند صیاد شیرازی و دکتر چمران ملاقات و در همایش ستاد مشترک شرکت می‌کند. در فصل پنجم با عنوان «به سوی میمک»، موضوع حضور داوطلبانه راوی در جبهه مطرح می‌شود که تقریباً هم‌زمان با اشغال میمک توسط ارتش عراق و آغاز جنگ تحمیلی است. او در این زمان نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیج عشایر برای آزادسازی میمک دارد و برای فراهم کردن زمینه‌های نبرد نهایی میمک تلاش می‌کند. سرانجام فصل پایانی کتاب با عنوان «فتح میمک» به آزادسازی این منطقه از دست عراقی‌ها می‌پردازد.